

ستاره سبز

در منجلا ب خیانت طبقاتی و ملی!

ضد انقلابی در جنبش نوین کومینستی و ماکرتیک مین مسا کلا افشا و مغرور گرد .

در سالهای اخیر که جنبش خلقهای ما در سطوح مختلف اوج دوباره ای گرفت، در حین کنگره و مبارزه با مائوئیسم در میدان عمل نیز به مرز بندی با این و مانند آن خوانندگی به مائوئیسم و پرولتاریا و خلقهای میهن ما برداختند، کمیته مرکزی در یگر به حدی افشا گردید که به مائوئیسم و مائوئیست ها روئینستی که ساختن و پدید آوری از خانه های تزارهای نوین بود و نه به اساس و استفاده از قهرمانی های گذشته طبقه کارگر و مبارزین انقلابی چون و وارطانبها، سیامکها و روزه های توانست بغرب خلق ما بپردازد، آگاهی خلق هر روز بالا تر میرفت و کالاهای تبلیغاتی کمیته مرکزی را در یگر خریداری نمود .

بجوازات این امر، و ابرق درت امپریالیستی آمریکا او شوروی به منظور بدست آوردن توسعه مناطق نفوذ خود و سرکوب جنبش های منطقه رساله های اخیر در زمین تباری به رقابت شدیدی در منطقه خاور میانه دست زد و بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی - تاجیک و توسعه طلبی وسیعی را آغاز نمود که در نتیجه برخورد مستقیم مائوئیسم آمریکا در منطقه و بخصوص در ایران بوجود آورد .

در واقع در عالم گفته شد که در بالا یعنی از طرفی هراس کمیته مرکزی از رشد و گسترش توان آسای جنبش خلقهای میهن ما که در جهت درهم چینی کردن طبقات ارتجاعی حاکم در ایران حرکت میکند و ناقوس مرگ کمیته مرکزی را نیز بعد از رمی آورد و از سوی دیگر لزوم انطباق سیاست کمیته مرکزی با جاذبه های روابط تزارهای نوین و شاه، دلیل اصلی توطئه های جدید این و در آلوده شدن خلق و تشکیل میدهند . توطئه های که هدف آن کماکان ایجاد تفرقه در جنبش مائوئیست لنینیستی و ماکرتیک خلقهای ما و تخریب در آن طرفی و تأمین منافع توسعه طلبان امپریالیستی شوروی در ایران و منطقه از طرف دیگر است .

این در غلبه از اولان سیاسی، در پیرو سازش آشکارا رسا رژیم ضد ملی و ضد مائوئیست شاه را موعظه مینموند و حساب مجدد در "حزب قانونی" و کرسی های وزارت و وکالت در بارگاه شاه را میدهد و در برابر دفاع از منافع ربا بان سوسیال امپریالیست خود و بخاطر منحرف نمودن مبارزه ایستی ناپذیر خلقهای ما با دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی به وسیله ای دست می یازد که امروز تنها بایست و پیش کردن کلمات و عنوان نمودن خواست "برچیدن بساط حکومت استبدادی شاه" دفاع از منافع سوسیال امپریالیسم را بنام مبارزه انقلابی حازد و مبارز هم هد فی جزایجاد انحراف در جنبش و کنگره آن در منجلا ب روئینستی و به زیر پرچم سوسیال امپریالیسم شوروی تند آرند . ماهیت این تفرقه ای آنها که شته از اینکه به چلباس و با په گمانی آراسته شده باشند کوچکترین تغییری نکرد است .

هسته اصلی تزارهای این مملکت ایند ثلویزی سازش طبقاتی و جاسوسان سوسیال امپریالیسم که آکان ایجاد خیالات واهی نسبت به ماهیت طبقات ارتجاعی حاکم، نسبت به امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و منحرف کردن آن ها از مبارزه طبقاتی است و باید نف تبدیل جنبش خلق ما به امر مسمی سیاسی جهت در پیوزه گی و معامله ی سببی از سفره ی طبقات حاکم و تحمیل تغییر و تبدیلیاتی در رجا و جوب حاکمیت طبقات ارتجاعی و بالاخره بخاطر تأمین منافع سوسیال امپریالیسم در کشور ما انجام میگردد .

ایجاد خیالات واهی نسبت به ارتجاع و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم از ماهیت طبقاتی این اپورتونیست های بقیه در صفحه ۴

در آلوده ست و در خیانتکار حزب تود هبارد یگر به تانها جدیدی برای کسب آبروی از دست رفته خود در جنبش انقلابی خلق ما دست زد است . این بار آنها با نقاب جدیدی تری وارد میدان شدند و با قریب های "وحدت طلبانه" و "مخالفت با رژیم" می کوشند تزارهای روئینستی خود را به خورد جنبش ما بدهند . این در غلبه از آن و شاید آن سلیقه که سالیان دراز تئوریهای بنجل سازش طبقاتی خود را بطور علنی و با افتخار تمام تبلیغ می کردند، در مورد جنبه های بطور عینی مثبت "انقلابات شاهانه" قلم فرسایی می نمودند، سیاست خارجی "مغول" شاه را مبنی بر بازگرداندن دست سوسیال امپریالیسم شوروی در غارت منابع میهن ما می ستودند و در باره اقدامات شاه در جواب گوئی به "بخشی از خواستهای مردم ما" از قبیل "آزادی زنان" و "سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها" به مدینه سرایی می پرداختند و با کثرت ترین اتهامات به جنبش انقلابی و ماکرتیک خلق ما دشنام می دادند و بناگهان بسا پیاپی "وحدت" وارد میدان شدند و با قریب های خجولانه که برآزنده اپورتونیسم تاریخی شان است بخود "جرات" دادند و از "برانداختن" سلطه حکومت شاه م میزند . این تفرقه ای جدید روئینستی های کمیته مرکزی چارواچها در انجام می گیرند آلوده ست کمیته مرکزی که با فریب و مسموم کردن تاریخ خود جنبش انقلابی خلق ما را به کجراه انحراف کشیده بود، با یاری کارآمدن خروشچف در شوروی و تبدیل این کشور به سوسیال امپریالیسم و یک آبرق درت امپریالیستی، کما کلا به مردم اب روئینستی جدید در زغلتید . مبارزه مائوئیست لنینیست های ایران علیه روئینستی خروشچف و مائوئیسم و وطنی آن باعث گردید که کمیته مرکزی حزب تود به عنوان یک آلوده ست

تنگ و نفرت بر رژیم کارگوش شاه

بیشمار در مورد "بهتر شدن" شرایط زندگی کارگران بودند، آلوده ست کمیته مرکزی حزب تود ه این سالوسان و خائن ترین پرولتاریا را نیز به همراه دستگا های تبلیغاتی رژیم سخن از "بهبود اوضاع" گفتند و تبلیغ از جنبه های "مثبت" رژیم برداختند و از این طریق به شرمانم سعی در تحمیل و فریب کارگران نمودند . اما کارگران میهن ما که با پوست و گوشت ستمنا را در آلوده ست میکنند، با درآمدی بطور متوسط ۸۰۰ ریال در روز مجبور به گذراندن زندگی هستند، با خانواد های بطور متوسط نفی مجبور به زندگی در اطراف کی در بیفوله ها هستند، شدت دچار ناراحتی های ناشی از کمبود تغذیه هستند، بهنگام بیماری مجبور به دستگیریان بیرون با مرگ هستند آنچه که از "بیمه کارگران" نصیبشان گردید به طور عمده به پرداخت قسمتی از دستمزدها نچیشان بعنوان حق "بیمه" بدون امکان استفاا از آن میباشد و رژیم را گرانی روز افزون کمرشان خم کردیده و . . . چگونگی ممکن آفریب این تبلیغات روئین را خورده و تحمیل گردند ؟ ناشی از ستمناستمارشید، ناهنجاری های اقتصادی و اجتماعی و شدت تضادها، ناراضی کارگران ایران روز بروز افزایش یافته است و بیش از پیش مبارزه میخیزند .

خشنگین از برخاست کارگران، رژیم به دستگیری، اخراج و کشتار میرسد از و به بعثت میگرد "قدر قدرتی" خود را بر خ آنها بکشد، آنچه که در حقیقت نشان دهنده ضعف و سست نهادنش، چه بنا بر ماهیت طبقاتی ارتجاعی و وابسته اش، از آنجائیکه به هیچ وجه قادر به تحمل معضلات میهن مانیت و توان حمل تضاد های اجتماعی و اقتصادی را ندارد، راهی نیز جز این نیست تواند برگزیند، راهی که بکل رژیم خواست و مقاومت بیشتر خلق و تشدید مبارزه را بد نیال دارد . بقیه در صفحه ۴

مبارزه علیه امپریالیسم سرمایه از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم جدا نیست

بنابر میل خود آنها را اخراج نمایند، در حالیکه حقوق ما هیچ یک کارگرا فقط ۶ تا ۷۰۰ ریال است این مدعی حقوقی واحد چنگل هزار ریول بچیب میزنند . سرمایه از آنحصار پرور کرد رانها شوروی با سرمایه از خصوصی انحصار ما هیتا تفاوتی ندارد . تنها فرق در این است که در اتحاد شوروی از آنحصار پرور کرد رانها تمییز شد . پرور کرد رانها حاکم در شوروی برآورد امحکومت خود بصورت فاشیستی عمل میکند، هرگونه مخالفتی را با زندان و تبعید جواب میدهد، مگر برای خلق را به ماکرتیک برای ضد خلق و دیکتاتوری بر خلق تبدیل ساخته است . زندانهای شبکه های جاسوسی و تفتیش سراسری بوجود آورده، کارهای حزبی را بسته، دست از حزب اخراج کرده و تلاش در هرگونه مقاومت و بلشویکیهای وفادار به ماکرتیک لنینیسم را درهم شکند . علاوه بر این روئینستی های حاکم بر یگر ستم ملی را بر ملت های غیر روسی ساکن در شوروی شدید اعمال میکنند . آنها را بر اینمورد از تزارهای کهن و پروری کرد و در روی ناپود ملت های غیر روس بوده، سیاست ایجاد یک "ملت بزرگ" را در پیش گرفته اند . اتحاد شوروی کومنی همانند امپراطوری تزار به زندان ملتها" بدل گشته است . سیاست خارجی امپراطوری نوین کرملین انکاسی از سیاست داخلی آن میباشد و بطور آشکار سیاست امپریالیستی است . لنین در رابطه با سیاستهای امپریالیستی نوشت: سرمایه مالی بمقاصد "قدیمی" به شمار سیاست ستمناست مبارزه بخاطر منابع مواد خام، بخاطر صد و سرمایه، بخاطر مناطق نفوذ . . . و بطور کلی مبارزه بخاطر قلمرو اقتصاد را افزونده است . سوسیال امپریالیستهای شوروی هم از این سیاست بقیه در صفحه ۴

عصرا، عصرا امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی است . امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری - سرمایه داری انحصاری، انگلی، در حال افول و مرگ میباشد . لنین ماکرتیک آید آورند که امپریالیسم تمام تضاد های سرمایه داری را متحد نهایی شدید میکند و از این نتیجه گرفت که "امپریالیسم آستانه انقلاب اجتماعی پرولتاریا نیست . از آن زمان تا بحال تغییرات عظیمی در جهان بوقوع پیوسته است . امپریالیستها بر قدرتی چون انگلیس و فرانسه افول کرده و پیش از ۹۰٪ از سرزمینها تحت تسلط خود را که بقولی هیچگاه آفتاب در آنها غروب نمیدارد است و در همه قدرتهای درجه دوم و سوم تبدیل گردیدند و هنوز این سیر اضمحلال کامل را بختی که قدرت امپریالیستی طی میکند . آسیا، آفریقا، آمریکا را تین بیا خاسته و در مبارزه طلبیه امپریالیسم، استعمار، تزار گراشی و صهیونیسم پیروزیهای درخشانی بدست آورده اند . چین تود های سوسیالیستی که ۱/۳ جمعیت جهان را در بر میگیرد با بحر صهیونیسم و جود گذارده است و هم اکنون چون نری محکم از انقلاب جهانی پاسداری میکند . در همین دوره بعضی از امپریالیستها تضاد هیئت بعضی دیگر بطور نسبی و موقتاً قدرت یافته اند و امپریالیستها خاسته ای چون سوسیال امپریالیسم شوروی بعید آن آمده است اما با تمام این تغییرات عظیم امپریالیسم هنوز موجود است و در ماهیتش هیچگونه تغییری بوجود نیامده است . اصول اساسی لنینیسم در باره امپریالیسم همچنان به عنوان اصول رهبری کنند هی مبارزه علیه امپریالیسم به قوت خود باقی اند و با اینکه امپریالیسم نخواست شوروی در آری پروری هائی میباشد اما ما هیتا با امپریالیسم سرمایه هیچگونه تفاوتی

ندارد . در زیر مختصر نشان میدهم که چگونه ابرق درت رت خواسته شوروی، همانند امپریالیستهای دیگر عمل میکند . غارت، چپاول، مداخله، تجاوز از خصوصیات این ابرق درت هم هست و شدیدی با ابرق درت دیگر امپریالیسم آمریکا برای تسلط بر جهان رقابت میکند . لنین میگوید: بیچون آمدن انحصار رات "قانون عمومی و اساسی مرحله کومنی تکامل سرمایه داری است" . در اتحاد شوروی کومنی هم وضع بر همین منوال است سرمایه داری انحصاری و ولتی اساس اقتصاد سوسیال امپریالیسم شوروی را تشکیل میدهد . در مورد خروشچف - برنرف باغصب قدرت و ولتی و تحمیل مسمی روئینستی، دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری پرور کرد ران تبدیل نمودند و از آنجا که مالکیت در شوروی د ولتی بود بسا تغییر ماهیت د ولت، ماهیت مالکیت هم تغییر کرد . مالکیت د ولتی سوسیالیستی بمالکیت طبقه سرمایه دار انحصار کرد - پرور کرد تغییر یافت، رفیق مائوئیسم و مائوئیسم میگوید: بقدرت رسیدن روئینستی یعنی به قدرت رسیدن پرور کرد ران . امروز در اتحاد شوروی پرور کرد ران حکومت میکند . طبقه کارگر در آنجا نه تنها قدرت سیاسی را از آن دست داد بلکه کاملاً بعنوان یک طبقه ای محکوم شد تا زیر ستم و استثمای پرور کرد ران حاکم سرمایه داران انحصاری پرور کرد ران قرار گرفته است . این طبقه نخواستای حاکم، از طریق حزب روئینستی شوروی نقشه های پنج ساله اقتصاد کشور را طبق منافع خویش طرح می ریزد، قشری از این طبقه را سوای پرور کرد ران های حزبی و د ولتی در ایران موسسات تولیدی و تجاری تشکیل میدهند که عملاً ما هیتا به مالکین جدید تبدیل گردیده اند . آنها می توانند اموال این موسسات را بر طبق منافع موسسه خود، نگه دارند، یا به موسسه دیگر فروخته و یا به کس دیگر واگذار نمایند . آنها حق دارند بر طبق اختیار خود کارگران را استخدام نموده یا از استخدام آنها خودداری کنند و

استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ماست

بقیه ی مبارزه علیه امپریالیسم ...

پیروی کرده به همان شیوه عمل میکنند.

در اردوستان روی رویستی حاکم در شوروی، همانطوریکه لنین در مورد سوسیال - شونیستهای انترناسیونال دوم گفت: "سوسیالیسم در حرف، امپریالیسم در عمل" هستند. آنها با توافق کامل در امپریالیسم، لنینیسم و انترناسیونالیسمی زندگی کاملاً آشکارا امپریالیستی عمل می نمایند. با شرارت و بی شرمی مدعی اند که نسبت به کشورهای باصطلاح "برادر" سیاست انترناسیونالیستی را بکار میبرند، در حالیکه هزارها روزگ از جمله از طریق "پیمان ورشو" و "شورای تعاون متقابل اقتصادی (کوکون)" قیود بسیاری را به کشورهای عضو آنها، به مغولستان و کوبا تحویل می کنند. برای دستیابی به کشورهای جهان سوم - آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین، آمریکا بالیستیهای دیگر شدت رقابت نموده و تلاش دارند بازار گنا منابع مواد خام را متحد مکن بدست آورند و در این راه از هیچ وسیله ای فروگذار نیستند. اکثر کشورهای عضو پیمان ورشو را عملاً اشغال نظامی کرده اند، به چکسلواکی حمله نظامی میکنند. در اینجا و آنجا با طرح کودتا جناحهای حاکم طرفدار خود را روی کار میآورند، بزرگترین شبکه های جاسوسی را که با "سیا" همسطح است بوجود می آورند. کشورهای چون پاکستان را به تنهایی میکشاند و سیاست "تفرقه انداز و حکومت کن" چریکی را در جهان سوم تبلیغ می نمایند. در زیر پوشش "سوسیالیسم"، "لنینیسم" و "انترناسیونالیسم بزرگترین خیانتکاران جنبشهای انقلابی کرده و تلاش میکنند این جنبشها را از زیر سلطه خود بخاطر پیرو مقاصد امپریالیستی در آورند.

امپریالیسم انگلستان هم کوشید در رقابت با روسیه تزاری خرد را دست مشروطیت ایران جازند و با امپریالیسم آمریکا برای از میدان راندن امپریالیسم انگلیس تلاش کرد خود را مخالف تجار و اربابان شرکت، اصناف و بخشهای داریان معرفی کند و در هر دو این مراحل تاریخ بخشی از روزروزی را غریب دادند. اما تاریخ ثابت کرده که نه امپریالیسم انگلیس و نه امپریالیسم آمریکا خواهان منافع انقلابی و ملی خلق ما بودند نه تنها از آنها یک هدف داشتند و نه بیشتر، نفوذ بیشتر و تسلط بر کشور ما، رویزنیستهای شورگوشها با کمک آنها خود همین مقصود و منظور را دنبال میکنند.

در حقیقت تزارهای نوین در ایجاد امپراطوری نوین هستند تا رویاهای تزارهای کهن را در مورد ایجاد امپراطوری اسلاوها "از آلب تا چین و از دریای آدریاتیک تا اقیانوس منجمد شمالی و حتی تا هند و وائو" (انگلس - سیاست خارجی تزار ایسم روسیه) بواقعیت تبدیل سازند. ما بچند نمونه از تسلط رویزنیستهای حاکم در شوروی در زیر اشاره میکنیم: سرمایه داری انحصاری پرورکرات شوروی به "برادران" خود هم رحم نمی کند، کشورهای عضو "شورای تعاون متقابل اقتصادی" را مورد استثمار و استثمار قرار میدهد. مثلاً در "کومکون" در سال ۱۹۶۰ سهم شوروی در کل تولیدات صنعتی کشورهای عضو "کومکون" ۶۹/۵٪ بود در حالیکه این رقم در سال ۱۹۷۲ به ۷۶٪ رسید یعنی ۶/۵٪ افزایش. در مقابل سهم جمهوری فدرال آلمان از ۸/۷٪ در سال ۱۹۶۰ به ۳/۴٪ در سال ۱۹۷۲ و سهم چکسلواکی از ۲/۷٪ در سال ۱۹۶۰ به ۴/۲٪ در سال ۱۹۷۲ تنزل کرد.

در رابطه با اعضای "کومکون" از جمله بلغارستان و مغولستان، وضع آنها از آلمان و چکسلواکی که ضعیف ترین کشور - های "کومکون" پس از شوروی هستند، بدتر است. از کشورهای چپا سومند و ستارگان نظیر کوریا، سرمایه داری انحصاری پرورکرات در اتحاد شوروی ۳/۴ صنایع شیمیایی ۱/۳ پالایشگاه نفتی، ۱/۳ صنایع آهن و فولاد ۲/۳ صنایع نفت و کربنیکی ۱/۵ تولید بژ هند و ستارگ تحت کنترل دارد و این کار را از طریق ادغام و ادغام چیزی جز ضد و بر سرمایه نیست تا مینمونه استوائین نمونهاست است از سیاست تعدد جویانه عمومی سوسیال - امپریالیسم از این گونه نمونهاست بسیار است. ایران خود را نمونهاست از رژیم ملی و ضد مکرراتیک شاه در چارچوب نیکیا و ابرق در پای سوسیال امپریالیسم را در دهکده شمشیر با زنگار و از این طریق شرایط را برافراشته و چپا اول منابع ملی و طبیعی ما توسط رویزنیستهای شوروی فراهم آورد. سوسیال امپریالیسم شوروی با ایران نه تنها صدها قرارداد نابرابر بسته بلکه هم اکنون تلاش دارد به روسیه کهنه ده از افزایش قیمت گاز ایران جلوگیری کند. مدت هاست ملیونها متر مکعب از گاز کشور ما را بقیمت کمتر از ۱/۴ قیمت گاز ایران و در بازارهای اروپائی میفروشد بفار تمیز فروش اسلحه یکی دیگر از خصوصیات سرمایه داری انحصاری پرورکرات شوروی است. در اردوستان حاکم در شوروی به حق "تاج رزم" لقب گرفته اند. آنها هم همانند امپریالیستهای دیگر عمل میکنند. سوداگری آنها در این زمینه به پیچیده

دست کمی از امپریالیستهای دیگر دارد. کافی است یاد آور شویم که در چند سال اخیر تنها از کشورهای عربی بیش از یک میلیارد دلار بابت اسلحه اخذ کرده است. هنوز پس از ۱۶ سال و دشمن اشغالی سوسیال - امپریالیسم شوروی در چکسلواکی مستقر است، مغولستان عملاً به پایگاه بزرگ ارتش شوروی تبدیل گردیده است، کشتی های جنگی اتحاد شوروی اقیانوس هارادری نوردند، به دور ترین نقاط جهان سفر میکنند و تلاش دارند لنگرگاه های پایگاه در هر جا که باشند بدست آورند. همانطور که رشد اپورتونیسم انترناسیونال دوم به سوسیال - شورویست کسیده شد و رشد رویزنیسم مدرن به سوسیال - امپریالیسم منجر شده است. لنین در مورد اپورتونیستهای انترناسیونال دوم نوشت: "اینها سوسیال - شورویست هستند، یعنی در گفتار سوسیالیست و در کردار اپورتونیست اند و به روزروزی "خودی" کمک می کنند تا کشورهای بیگانه را غارت نماید و ولت های دیگر را با سوار در آورد." مضمون سیاسی اپورتونیسم و سوسیال - شورویست باید یک یگر همانند است: "سوسیال - شورویست، اپورتونیسم تکمیل شده است." (لنین - اپورتونیسم و روشنگری انترناسیونال دوم).

رویزنیسم مدرن که پس از مرگ استالین بر حزب کوم - نیست اتحاد شوروی تسلط یافت توانست، از طریق غصب قدرت و ولتی توسط اردوستان مترد خورشچف - برژنف، در یکتا توری پرولتاریا را به دیکتاتوری پرولتاریا بزرگ پرورکرات، به دیکتاتوری فاشیستی تبدیل سازد.

در حقیقت سوسیال - امپریالیسم اداه رویزنیسم مدرن میباشد. بصورت تکامل یافته و در سطح داشتن قدرت سیاسی در دست، در کشورهای چون شوروی.

در تاریخ اینست، هنگامیکه قدرت سیاسی روسیه یک در اردوستان رویزنیستی در یک کشور غصب می شود حکومت سوسیالیستی بطور احوال ناپذیری با سوسیال امپریالیسم تبدیل میگردد. نظیر اتحاد شوروی - ویا به یک کشور تحت سلطه و مستعمره تبدیل میشود مانند چکسلواکی، مغولستان. هم اکنون اتحاد شوروی همان طور که نمونهاست با نشان میدهند، بصورت یک ابر قدرت عمل میکنند، با اینکه از سوسیالیسم در میزند ولی کردارش مومعاً یک ابر امپریالیست با میخواند. جوهر تمام تلاش های سوسیال - امپریالیسم شوروی را همانند هر قدرت بزرگ امپریالیستی، کسب سرکردگی بر جهان تشکیل میدهد. ماهیت او به پیچیده با ماهیت امپریالیسم سرمایه تافتی ندارد. غارتگر، مستعمر، استثمارگر، تجار و زکار، جنگ طلب و جنگ افروز بوده و در هر حال "بیرکافدی" و شیر برفی است.

زیرا بگفته امپریالیسم مارکسیست - لنینیست کبیر" لنین امپریالیسم را سرمایه داری در حال مرگ خواند. چرا؟ زیرا امپریالیسم تضاد های سرمایه داری را به آخرین لبه آخرین حد که پس از آن انقلاب آغاز میشود می کشاند. لنین سفسله های "ما فوق امپریالیسم" کاوتسکی را که تنها و تنها مشاهده گری امپریالیسم بود شدید مورد انتقاد قرار داد و تاکید کرد که چنین تری "عمیق بودن تضاد های امپریالیسم را که بطور اجتناب ناپذیری به بحران انقلابی منجر میشود، مخدوش میکند."

امروز هم رویزنیستها و اپورتونیستهای رنگارنگ به مشا که گری امپریالیسم بطور احوال و سوسیال - امپریالیسم شوروی بطور اخص میرد ازند. در اردوستان کمیته مرکزی حزب خود تخفیف تشنجات نظامی تخفیف تشنجات سیاسی گذار بر حمله سلطه بین المللی از طریق مذکور تبلیغ میکنند. در حقیقت نعره های آنها در باره "بهبود روابط بین المللی و توافق شدن جناحهای امپریالیستی، تنها یک هدف دارد تحقق توده های و این آوردن هوشتی از آنها در مبارزه علیه امپریالیسم از جمله سوسیال - امپریالیسم شوروی. همانطور که لنین به هنگام انتقاد از کاوتسکی مرتد گفت: "این مسأله که... آیا در انتقاد از امپریالیسم باید در جهت تشدید و تعمیق تضاد هائی که ایجاد میکند قدم بجای برداشته یا اینکه جهت تخفیف این تضادها قدم بعقب گذاشته یا مسئله اساسی است." مرتد از رویزنیست در باره "تخفیف تضاد گنگا گونی کسوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا در جهان ایجاد کرده اند سخن می رانند. در حالیکه واقعیت زنده هر روز نشان میدهد که "هرج و مرج و تلاطم عظیم" و بزگی اوضاع را بر جسته میکند، و این تبلیغات کوش خراش آنها دروغی بیش نیست.

پنج قاره جهان در آتش تغییرات بزرگ میسوزد، نعلهای این سوزش هر روز آهسته و سیمتری بخود میگردند. نه اروپا، کفرانس امنیتی، نه خاور میانه، کفرانس ژنو و نه آسیا یا پیمان آسیائی "بحالت آرامش رسیدند، بیش از حد است که و ابرق در زمیند اگر در باره تهدید تسلیحات استراتژی

بقیه در منجلا ب...

خافن و جاسوس سوسیال - امپریالیستهای میگردند. آنان از اینک روزی ارتش عظیم کارگران و دهقانان بر رهبری حزب واقعی مارکسیست - لنینیست ایران بساط ارتجاع و امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم را در کشور ما در هم خواهد پیچید و سخت هراسانند و اوتصور آن لرزه بر اندامشان میافتد. بنا بر این هر روزی در برابر جنبش کمونیستی و مکرراتیک خلق ما سنگ می اندازند و میسختی در امر وحدت مارکسیست - لنینیستها و ایجاد حزب کمونیست اخلال میکنند.

بینیمو اوضاع اسبابی و برخورد در اردوستان کمیته مرکزی این دشمنان سؤگند خورد و جنبش ما، در مورد سیستم حاکم بر ایران چیست؟ آنها همانند گذشته مرز بندی میان طبقات و میان خلق و ضد خلق را در انبامور نیز مخدوش نمود و چنان وانمود میکنند که در چارچوب این رژیم مومعاً همکاری با جناح هائی از آن، خلق ما قادر است انقلاب نماید. در صفحه ۴ از طرح برنامه حزب توده ایران "چنین میباید." حزب ما... از نظر و زمیند اردوستان در رده طبقات حاکم، گروه ها و عناصری وجود دارند که نظریه اوضاع و احوال و تحول شرایط میتواند از این میان موضع ترقی خواهانه، از این میان شعار ضد - امپریالیستی، از این میان خواست در مکرراتیک پشتیبانی نمایند...". (تاکید های تمام نظر قولهای این مقاله از ماست) اینک در رده طبقات حاکم جناح بندی موجود است و بین جناح های مختلف بر اساس منافع قشری و طبقاتی در رده خود اختلاف و مرافعه، واقعیتی است که مارکسیست ها همیشه به آن توجه نمود بوحثی تحت شرایط معینی که در آن حزب قدرتمند و ارتش کارگران و دهقانان ایجاد شد موقدرت کافی داشته باشند بصورت تاکتیکی از این تضاد ها استفاده میکنند. ولی هرگز مارکسیست لنینیست ها مرز استراتژی انقلاب را با تاکتیکیک مخدوش نمیکند و در صورت موجود بودن گلهی شرایط استفاده از تضاد های در رده دشمن، با سیاست اساسی آنها در رجحان اول تشدید و عمیق کردن این تضاد ها و افشاء ماهیت واقعی عوام فریبی های طبقات حاکم است و این همیشه یکی از مهم ترین مریزندی ها علیه مکرراتیک است. لنینیست ها و اپورتونیست های گوناگون بوده است در حالیکه برخورد رویزنیست های حزب توده ما هیتاد بر جگر برخورد گنیترین اپورتونیست ها و فریبست های تاریخ است. آنها اختلافات در رده طبقات مترجع راجحان وانمود میکنند که گویا بخشی از آنها "نظریه اوضاع و تحول شرایط میتواند" بیکاره ماهیت استثمارگر و خوار خوار افراوش کرد مومعاً "پشتیبانی" از "مواضع ترقی خواهانه"، از "شعار های ضد امپریالیستی" و از "خواستهای مکرراتیک" برخیزند و همراست خلق بوازگون نمودن سیستم حکومتی استثمارگر دست ززند!!! اینست آن خیال واهی که اردوستان علیه کمیته مرکزی میخواند در رده مبارزین نسبت به طبقات ارتجاعی حاکم در کشور ما بوجود آورد و از رشد و گسترش مبارزه طبقاتی در کشور ما بهر وسیله جلوگیری کرد. این چنین برخوردی طبیعی است زیرا تضاد رویزنیست ها با ارتجاع ماهیتاً از نوع تضاد های در رده طبقات ارتجاعی است و هدف از آن در واقع برگرداندن نقد اری از آب آسیاب بجوی خود و بهر سوسیال امپریالیستها است.

پیدا خواهند آمد و عمل بزرگترین توسعه را در تسلیحات خود در همین دوره بوجود آوردند. در حقیقت قایت شدید میان و ابرق در بر تسلط بر جهان موجب تشدید تضاد ها اساسی گردیده و به شدت تلاطم و هرج و مرج می افزاید. این هرج و مرج و تلاطم برای انقلاب امر خوبی است و برای ضد انقلاب امری بد. در آخرین تحلیل این خلقها هستند که جهان را میسازند و نه امپریالیستها. مبارزه علیه رویزنیسم را باید همچنان تا آخری بطور بد لنین کبیر بیش از نیم قرن پیش یاد آور شد: "مبارزه علیه امپریالیسم چنانچه جد از مبارزه علیه اپورتونیسم باشد در غل بازی و حیلگری قی بیش نیست." اپورتونیسم عصر ما در رویزنیسم مدرن است که به علت در دست داشتن قدرت و ولتی به سوسیال - امپریالیسم تبدیل گردیده است. تنها مبارزه علیه امپریالیسم سرمایه داری گردن و مبارزه علیه سوسیال - امپریالیسم شوروی را ناپدید گرفتن بگفته لنین "در غل بازی و حیلگری قی بیش نیست". تنها تنها در همراه ساختن این و مبارزه با هم و پیش بردن آنست که میتوان به وظیفه تاریخی پرولتاریا وفادار ماند و رخداد. مت آن کار نمود. در اوضاع کنونی هیچ مبارزه ضد امپریالیستی نمیتواند جد از مبارزه ضد و ابرق در رده امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی باشد. هیچ جنبش کمونیستی و انقلابی نمیتواند بدون انتقاد از رویزنیسم مدرن بر اساس اصول مارکسیست باشد. آنچه ارتجاعی است باید سرنگون کرد. رویزنیسم مدرن و پرولتاریا نیست که با ارتجاع جهانی خدمت میکند و باید زنده نمود تا انقلابی خلقها را بر همه حاکمانه - سرو سرب مترج بجلورود.

گروه ضد انقلابی کمیته مرکزی که امروزه متابعان امپریالیسم شوروی عمل میکند، در تمام دوران زندگی سیاسی خیانتکار خود، راه سازش و تسلیم و فرار را تبلیغ کرده اند. آنها در حساسترین موقعیتها، هنگامیکه حتی نامحیانتکار و جانی پیکار هراسناک از خشم توده ها با یافرا گشته بود، اپورتونیسم راست و نباله روی از روزروزی را در ریش گرفته، عملاً به این مبارز راترک کرد و بزرگترین خیانت ها را بر پرولتاریا و خلقهای میمن ما مرتکب شدند. پس از تبلیغ رویزنیسم خورشچف بر حزب پرافتخار لنین و استالین، آنان تئوری توجیه خیانتها را خود را که نظار رویزنیسم مدرن بود، در رده با تشوکلای مارکسیسم - لنینیسم - اندیشمها نوشتند و ون ونفی آن اشاعه دادند.

آنان تئوری "گذارسالمت آمیز" را بجای انقلاب قهر آمیز تبلیغ نمودند و با واقاحت تمام قیام قهر آمیز توده های ۱۰۵ خرد را که طی آن چندین هزار تن از محکمان شهر و ده ماد روزگروه های رژیم شاه شهید شدند عملی ارتجاعی و سیاه نامیدند. آنان یک از جمله به جنبش خلقی ما، به مارکسیست - لنینیستها و به جنبش مکرراتیک و کفدراسیون دانشجویان ایرانی ساکت نشستند.

آنان در ماههای اخیر با خرد و دشمنی با جنبش خلق مبارزین قبرمان چریک را که قبرمانان با خرد خلق تاپای جان علیه رژیم محمد رضا شاه پیکار میکنند مورد ناسزا و دشنام قرار داده و حتی بی شرمی راتاحسدی رسانند که گاه تشدید تر و رو اختناق را که ناشی از ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم حاکم است بمرگ مبارزین چریک انداخته و بجای ارتجاع خلق را مورد حمله خود قرار دادند. حال این روشنگران سیاسی بوقلمون صفت از هراس متلاشی شدن کامل، دوباره رنگ عوض کرده و این بار بی شرمانه همچو گرگ در لباس میش علیه خلق توطئه میچینند. غافل از اینکه خلقهای ما مبارزین راستین بخوبی این مارها خوش خط و خال و بد طینت را میشناسند و از خیزدن آنان در صفوف خود جلوگیری خواهند کرد.

خصالت اساسی تزه های این اپورتونیستهای خائن علیه رفقا تفاوت در لحن و جمله بندی به پیچیده تغییر یافته است. بچند نقل قول از نوشته های چند سال اخیر آنها در مورد مسأله انقلاب و موهبه راه مسالمت آمیز توجه شیم: "حزب ما بارها گفته است و بر حسب نظریه انقلابی خود بدین شک ترجیح میدهد تحول جامعه ساز طریق مسالمت آمیز تحقق بخشد" (از جمله در نیاسال هفتم شماره ۲). در همین شماره پس از اینکه اعلام میدارند که رژیم بعثت روش ضد مکرراتیک خود راه تحول مسالمت آمیز را سد کرده و نیروهای انقلابی "چاره ای ندارند" جز اینکه خود را برای تحول "غیر مسالمت آمیز" آماده کنند اضافه میشود: "ولی این حکم نباید پایهی تجویز و شهای حاد تجویزانه از قبیل مطلق کردن یک شکل معین از عمل غیر مسالمت آمیز... قرار گیرد. در هفتا جاب این طرفداران "جدید" برجیدن "حکومت کمونیستین در باره انقلاب اظهار نظر مینمایند: "هر انقلابی یعنی انتقال قدرت حاکمانه از دست طبقه یا طبقات ضد انقلابی بدست طبقه یا طبقات انقلابی. هر انتقال حکومت بناچار نوعی تحمیل است" و "منتها این انتقال حکومت میتواند از طریق مسالمت آمیز بدین قیام مسلح و جنگ انقلابی انجام گیرد"، "حکومت ضد ملی قوام در مقابل اتحاد اکثریت مطلق خلق دچار چنین سرنوشتی شد و ناچار گردید استعفا دهد. از این قبیل در تاریخ معاصر کشور ما باز دیده است." آنان در صفحه ۳۳ "طرح برنامه حزب توده" چنین نظرات قبلی خود را تکمیل میکنند "بعلاوه حزب ما از هر دولتی که از یک تحول مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ناشی شده باشد بنوبه خود پشتیبانی خواهد کرد و در راه سوق آن بسوی ستمگری سوسیالیستی خواهد کوشید."

تحریف آشکارا و کسب در زمینه انقلاب در این جملات بخوبی منعکس است. این اپورتونیستهای خبیث ابتدا اصل انتقال قدرت حاکم را از دست طبقات ضد انقلابی بدست طبقات انقلابی در کمینند، سپس زیر سیلی از این مسأله که این امر تنها از طریق انقلاب قهر آمیز بود را هم تشنیتن مایشین دولتی امکان پذیر است رد میشنود و سالود سانها از انقلاب تشنیر انتقال حکومت و آنهم بصورت مسالمت آمیز تفسیر نموده و مثال شخص آنرا اتحاد استعفا و تعویض و بینه قوام تخفیف میدهند.

آنها با ملاً تفاوت میان تصرف قدرت حاکم و تشنیر دولت رامیدانند منتها آگاهانه چنین تفسیر پرولتاریائی از انقلاب را تبلیغ میکنند تا احیاناً در میان توده ها سردرگمی ایجاد نموده و از آب گل آلود استفاده نمایند. لنین برای بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها

تحلیلی از سیاست «آشتی ملی» رویزونیست‌ها

دارودسته رویزونیستی حاکم که اتحاد شوروی را همانند دوره تزارهای کهن به زندان ملت‌ها تبدیل نموده، در سطح جهانی بویژه در منطقه خاورمیانه خود را مدافع «آزادی ملت‌ها» می‌داند. از آنجا که ایران ما کشور است که در این منطقه خاورمیانه خود را مدافع «آزادی ملت‌ها» می‌داند، در این منطقه خاورمیانه خود را مدافع «آزادی ملت‌ها» می‌داند.

اتحاد شوروی کثیرالمله "اقرار میکند که بعلمت یکی شدن و دلائل دیگر، بعضی از ملت‌ها " موجودیت مستقل خود را از دست داده‌اند. " باهر آمارگیری جدید شماره ملت‌ها در شوروی کاهش می‌یابد. " با مقایسه آمار سال ۱۹۵۹ و ۱۹۷۰ تعداد ملت‌ها در اتحاد شوروی از ۱۱۲۶ به ۱۱۹ تنزل یافته‌است. آمار رسمی شوروی درباره جمعیت نشان می‌دهد هملت‌هایی که تعداد آنها بین سال‌های ۵۹ تا ۷۰ ثابت مانده‌اند عبارتند از (لاتوین) ها Latvians (اونگیس) ها (خانگیس) ها Khantys (آلیوت) ها Aleuts (یودجی نس) Udegeitsys در همین دوره جمعیت (کارلین) ها Karelians / ۲۱۰۰۰ نفر (۱۳٪ بیش از ۱۱ سال قبل) تنزل یافت. (و) ها ۸۸۰۰ نفر (۵٪) و (مورونینانز) ها Moravinians ۲۲۰۰۰ نفر. این همان است که رویزونیست‌های شوروی بنام "شکوفایی همه جانبه ملت‌های چه‌بزرگ چه کوچک" در اتحاد شوروی می‌نامند.

برونرف قبا "آشتی ملی" را از خروشجف به عاریت گرفته‌است. خروشجف در گذر ۲۲ رویزونیست‌های شوروی در سال ۱۹۶۱ درباره سیاست "آشتی با زهم عقیق نر ملت‌ها" ی کوچک و بزرگ در اتحاد شوروی تحت حکومت رویزونیستی، جنجالی بیا کرد. پس از روی کار آمدن برونرف او هم مکرر در مکرر قتل داد که تویا سیاست "بهم نزد یکسر کردن بازهم بیشتر ملت‌ها" را از بزرگ و کوچک به اجساد را خواهد آورد و شدید اختلاف خود را با "ناسیونالیسم" اعلام نمود. کالای بنجلی را که خروشجف و برونرف و شرکا تلاش کرده‌اند که زیر پوشش "آشتی ملی" آب کنند، بطور روشنی در انتشارات رسمی رویزونیست‌های شوروی، مقلوب شده‌اند. مجله "کمونیست شوروی" در شماره چهارم خود در مسال گذشته به جرح خوانی پرداخته و مدعی شده که اتحاد شوروی در آستانه ورود به "مرحله بیکی شدن کامل" همه ملت‌ها بوده و اکنون "امکانات اجاز می‌دهد که بطور مشخص تری پروسه آشتی و حتی یکی شدن ملت‌ها قابل لمس شود." و اضافه کرد که در اتحاد شوروی ملت‌های سوسیالیستی واحدی در حال شکل گیری "است. مجله دیگر شوروی بنام "مسائل تاریخی" اعلام داشت که از طریق آموزش و وسیع زبان روس اتحاد شوروی در حال رسیدن به "وحدت زبان" است. بنا بر این بر روشنی گفته شده است که یک ملت واحد که زبان روسی را یکسار میبرد باید در اتحاد شوروی بوجود آید. از این مساله می‌توان دید که آشتی ملی رویزونیست‌های شوروی در واقع معنی ایجا یک ملت روسی "واحد" در اتحاد شوروی از طریق "روسی کردن" بیش از حد ملت و قوم غیر روسی در سراسر کشور است. احتمالاً چون فورمول "ایجاد یک ملت واحد" آشکارتر منظور آنان را می‌رساند، رویزونیست‌های شوروی گاه گاه هسو، بجای آن، فورمول "ایجاد یک جامعه نوین تاریخی از مردم شوروی" در اتحاد شوروی را بکار می‌برند. آنها با سروسو صدای زیاد اضافه کردند که این "معنی از بین بردن اختلافات میان ملت‌های مختلف و نادیده گرفتن خصوصیات زبان و فرهنگ ملی" نیست. این بهر حال نمی‌تواند ماهیت سیاست رویزونیستی شوروی را در نهایت ساختن ملت‌های غیر روسی بپوشاند. با اشاره به "جامعه تاریخی - خلق شوروی" مجله مردم شناسی شوروی می‌نویسد: "مفهوم ملت و قوم... جایگزین با مفهوم شوروی در اینجا مفهوم "خلق شوروی" را در مقابل مفهوم "ملت" قرار می‌دهند و دستور صادر می‌کنند تا روی جایش را خالی کند. با ممنوع کردن موجودیت مفهوم "ملت" دیگرگونه می‌توان صحبت از خصوصیات ملی و مقام ملت‌های غیر روسی کرد؟ فورمول "جامعه تاریخی - خلق شوروی" تزویر دیگریست برای "روسی کردن" اجباری.

حسادت نژاد های ملی در اتحاد شوروی

روسی کردن "اجباری" در اردو سه رهبری رویزونیست‌های شوروی و قسم بی رحمانه ملی آنها زیر پوشش "آشتی ملی" با مقاومت سخت مردم ملت‌های مختلف روبه ر شده و هر روز زحمت تضاد های ملی در سراسر کشور می‌افزاید. گزارش شده است که یک گروه اوکراینی در نامه‌ی سرگنداشد های "مخالفت خود را با نابودی و تخریب زبان اوکراینی" ابزاز داشته‌اند. آنها یاد آور شده‌اند که سینه شونیسم عظمت طلبانه روسی حاکمین شوروی قانون اساسی را زیر پا گذاشته و ضد لفظی و ضد خنزی وضد شوروی است. "و" این بهیچوجه با سیاست قدرتهای بزرگی که اوکراینی را اشغال کردند فرقی ندارد. در ماه مه ۱۹۷۲ یک عضو "سازمان جوانان کمونیست" در لیتوانی بعنوان اعتراض علیه ستم ملی که توسط رویزونیست‌های شوروی اعمال میگرد در خود را آتش زد و مرد. این امر، باعث در روز تظاهرات با شرکت هزاران دانشجو و کارگر گردید که فریاد می‌زدند: "آزادی برای لیتوانی" در روزین و سپتامبر همان سال تظاهرات و اعتصابات تود های با شرکت بیش از ده هزار نفر در و شهر اوکراینی

(دنی پروژر زینسکی) Dneprodzerzhinsk و دنی پروپتروفسک (Dnepropetrovsk) صورت گرفت. سال گذشته در بزرگترین کارخانه (ویتبسک) Vitebsk واقع در (بی لوروسیه) Byelorussia یک اعتصاب وسیع برگزار شد. اعتصابات و تظاهرات مشابهی در سال‌های اخیر، در میان ملت‌های غیر روس برپا شده است. بعضی از ملت‌های غیر روس برای مقاومت در برابر رویزونیست‌ها، سازمان های مخفی بوجود آورده و انتشارات مخفی - روزنامه، مجله و کتاب در افاضای ستم ملی بیرون داده‌اند.

یک مقام عالی رتبه در روسیه تزاری گفت در میسسان ملت‌های غیر روس "تا وقتی که افراد می‌توانند که حاضر به هر تنگی شدن کامل نیستند" و "بطور علنی یا مخفی با اقداماتی که برای یکی کردن اخلاقی توسط کشورهای آنها به تبعیت در آمده‌اند، به مخالفت بر می‌خیزند" حکومت "باید قدرت خود را بر پایه‌ی استحکامات نظامی مستحکم بنانند." این آن کاریست که در قیقا برونرف و شرکا دارند انجام می‌دهند. در مناطق غیر روسی آنها مشغول شدید سلطه‌ی پلیس مخفی هستند، کنترل ایدئولوژیکی را بر روی کارهای وسیع و خلق در چندان نموده‌اند و دست به تصفیه های وسیع و دستگیری زدند. از زمانیکه برونرف بر سر کار آمده است، تعداد زیادی از کارهای رهبری اوکراینی، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، مولدو و اوپا و جمهوری‌های دیگریکی پس از دیگری از کار بر کار شده و جرم آنها از جمله اینست که "ناسیونالیسم" را با قدرت کافی سرکوب نکرده‌اند.

تزارهای نوین، به دنبال تزارهای کهن، مذبحخانه تلاش دارند که تضاد های ملی را با تشدید سرکوب قهر آمیز، حل نمایند. اما با تشدید سرکوب قهر آمیز و تشدید "روسی کردن" از طریق قهر، تنهایی خواهد شد تا خلغهای ملت‌های مختلف در اتحاد شوروی، بتوانند بطور با زهم روشن تری نقاب "لنینیسم" را که برونرف و شرکا بر چهره کرده خود کشیده‌اند پاره کنند و ماهیت آنها سارا بماند. تزارهای نوین مشاهده کنند و در نتیجه به مبارزات با زهم وسیعتری علیه ستم ملی و سلطه‌ی راجتانی دست زنند.

روسی گویند که ملت روس شایسته‌ی "احترام واقعی ملت‌های مختلف" در اتحاد شوروی است، روسیه "ما بزرگی است" در حالیکه ملت‌های غیر روسی "فرزندان باوفای روسیه" کبیرند.

مجله روسی "کولکول" در سال ۱۸۶۵ یاد آور شد که یکی از عناصر مهم سیاست روسیه تزاری در باره ملت‌ها "هم رنگ کردن و از بین بردن تمام ویژگی‌های ملی" تشکیل می‌دهد. بدنبال این هدف کاترین دوم تزار روسیه فرمان داد که "آداب و رسوم مختلف (ملت‌های مختلف) در روسیه باید هم آهنگ شوند". با همین مقصود رویزونیست‌های شوروی زهره راه ممکن تلاش میکنند تا فرهنگ ملی ملت‌های غیر روس را از میان بردارند. مجله‌ی آمار روسیه در شماره هفتم خود در سال ۱۹۷۲ آشکارا اعلام کرد که یک جنبه مهم "تکامل دولت سوسیالیستی شوروی کثیرالمله" اینست که "میلیونها میلیون از ملت‌ها و اقوام مختلف فرهنگ روسیه را فرهنگ خود میدانند".

قبل از انقلاب اکبرلین در اردو سه حاکم تزاری روس را که بکار بردن زبان‌های غیر روسی را ممنوع ساخته بود و زبان روسی را در همه جا اجباری کرده بود محکوم کرد. او یاد آور شد "نیاید زبان رسمی اجباری موجود باشد". امروز برونرف و شرکا تصریح کرده‌اند که "تمام افراد از ملت‌های غیر روسی) باید این زبان (روسی) را خوب یاد بگیرند و زبان روسی باید حتی "در موسسات نگهداری بچه ها قبل از مدرسه یاد داده شود". "را همنای جمعیت جهان" که توسط اتحاد شوروی انتشار یافت یاد آور می‌شود که امروز در شوروی "گروه‌هایی از مردم که زبانشان را تغییر داده‌اند معمولاً در طول زمان همچنین هویت قومی (ملی) خود را هم عوض کرده‌اند". این بخوبی نشان می‌دهد که اجباری بودن زبان روسی در خدمت تغییر هویت ملی بوده و برای اعمال "روسی کردن" است.

برای تسریع "روسی کردن" ملت‌های غیر روس در اردو سه برونرف همچنین تعداد زیادی از مردم این ملت‌ها را از سر زمین‌هایی که آنها نسل در نسل در آنجا می‌سیر کرده‌اند به مناطق روس نشین کوچ داده‌اند که در میان روسها زندگی کنند. کتابی در سال ۱۹۷۳ در اتحاد شوروی بنام "مسائل تئوری تشکیل و تکامل کشور اتحاد شوروی کثیرالمله" انتشار یافت که در آن اعتراف می‌شود: "مردمی که برای مدت طولانی در یک شرایط ملی غیر خودی پراکنده می‌شوند پروسه‌ی طبیعی یکی شدن با ملت غیر خودی را طی می‌کنند". طبق آمار رسمی شوروی که در سال ۱۹۷۰ انتشار یافت بیش از ۳۹ هزار نفر را برابری ۱۴٪ جمعیت ملای، تا سال ۱۹۷۰ از جمهوری ملای کوچ داده شده‌اند. و بیش از ده میلیون نفر برابر ۱۳٪ جمعیت اوکراینی از جمهوری اوکراینی انتقال داده شدند. چه شباهت عجیبی بین این عمل برونرف تزارهای کهن که تعداد عظیمی از مردم "ملت‌های بیگانه" را پس از اشغال قفقاز شمالی بیرون رانند، موجود است.

ستم ملی که توسط تزارهای کهن اعمال میشد یسا آهنگ رشد جمعیت پاره‌ای از ملت‌های غیر روسی را کاهش داد و با بطورده اوم از جمعیت آنها می‌کاست یا حتی آنها را محو و نابود ساخت. همان کار در اتحاد شوروی کنونی تحت سلطه‌ی تزارهای نوین در رابطه با پاره‌ای از ملت‌های غیر روس صورت می‌گیرد. "مسائل تئوری تشکیل و تکامل کشور

اشاره به برخورد لنین در مورد مسأله ملت‌ها یاد آور شد که: "لنین هرگز نگفت که اختلافات ملی باید محو گردند و زبان‌های ملی باید در یک زبان مشترک در داخل مرزهای یک کشور واحد قیل از زیر روی سوسیالیسم در میان جها تسی ادغام شوند. برعکس، آنچه که لنین گفت، و کلاماً عکس این موضوع است یعنی اینکه اختلافات ملی و کشوری بین خلق ها و سرزمین‌های مختلف... برای یک دوره بسیار بسیار طولانی، حتی پس از آنکه دیکتاتوری پرولتاریا در یک میزبان جهانی مستقر شده است" ادامه خواهد یافت.

بر اساس گفته لنین، در اتحاد شوروی امروز، پیش شرط لازم برای "نزدیک کردن ملت‌ها بیکی یگر" و "یکی کردن آنها" اصلاح موجود نیست تا چه رسد به "رهائی کامل" ملت‌های ستم دیده. برعکس سرمایه داری بطور همه جانبه در اتحاد شوروی تحت حکومت اردو سه مرتد رویزونیستی شوروی مجدداً مستقر شده است. زحمتکشان بار دیگر زیر ستم کشیده شده‌اند و استثمار میگردند ملت‌های غیر روس. بار دیگر ملت‌های تحت ستم زیر یوغ شوینیسم عظمت طلبانه روس تنزل یافته‌اند. اتحاد شوروی یک کشور سوسیالیست یالیستی و بار دیگر یکی "زند ان خلقها" از نوع تزاری مبدل شده است. وظیفه فوری تمام ملت‌ها اینست که برای نابودی ستم طبقاتی و ملی و رسیدن به رهائی کامل خود به مبارزات برخیزند. تلاش در اردو سه برونرف برای اجبار در آوردن "آشتی ملی" و "یکی شدن ملی" که ستم طبقاتی و ملی را تشدید می‌نماید چیزی جز شوینیسم عظمت طلبانه روسی نیست و هیچگونه وجه تشابهی با سیاست لنینی در باره ملت‌ها نداشته و حیانت کامل به لنینیسم است.

بدنبال جای پای تزارهای کهن

"آشتی ملی" که توسط رویزونیست‌های شوروی با اجرا در می‌آید نه تنها "سیاست لنینی در باره ملت‌ها" و "۴۳" تکامل راهی که لنین نشان داده‌است" نیست بلکه در واقع سیاست تزارهای کهن درباره ملت‌ها بوده و ادامه تکامل راهی است که تزارهای کهن نشان دادند. بهترین است "آنها" سیاست تزارهای نوین درباره ملت‌ها "بنامیم. حاکمین تزار روس همیشه برای ادامه سلطه خود بر ملت‌های غیر روسی، سیاست "یکی کردن" آنها را در ملت روس در پیش گرفتند. به عقیده اردو سه حاکم روسیه تزاری "تازمانیکه خلقی ایمان، زبان، آداب و رسوم و قوانین خودشان را حفظ می‌کنند نمیتوان آنها را تسلیم شده خواند". و تا آنجا که مربوط به "مردم بیگانه که هنوز از لحاظ اخلاقی با تسخیر کننده یکی نشده‌اند" می‌باشد، چنین یکی شدن نمی‌تواند و باید بالاخره عملی گردد. آنها همچنین یاد آور شدند که در روسیه "اقوام مختلف" تا بحال دیگر "با هم قاطی شده‌اند که ملت واحدی را تشکیل دهند." "آشتی ملی" "تشکیل یک ملت واحد"، یک "جامعه تاریخی" واحد، اینها ویژگی‌های کجی که توسط برونرف و امثالهم اشاعه می‌یابند همان مزخرفات تزارهای کهن در الفاظ نوین اند. رویزونیست‌های شوروی قبا‌ی تزارهای کهن رانه تنها درباره سیاست "روسی کردن" به عاریت گرفته‌اند بلکه آنها همچنین برنامه‌ی عمل مشخص "روسی کردن" را هم از آنها با بارت برده‌اند. لنین ادعای اردو سه حاکم تزار روس را در مورد اینکه "تمام خلق‌ها باید در برابر حکومت روسیه کبیرزبان‌نویزند" بعنوان "برهان" صد فامیل سیاه" نامید. امروز برونرف و امثالهم آشکارا همان برهان را بر زبان می‌آورند

سرود انترناسیونال بزبان ترکی آذری

اوپان ، آرتق یوخودان اوپان	تازری ، شاه ، پاشا ، بیک ، آغا ، خان
اوپان اسیرلر دینامی	بیزلی نجه قوتلر
ظلمه قارش کیتمیز توفان	بیزی تکجه قوتلر اراچاق اولان
بوئولوم د بیزیم دا عواسی	بیرجه ئوز قول لاری بیزیم
گل ییخاق بو کهنه نظامی	ایجاتوت قوتلوش بایراغین
بیز آیسیری عالم ایستروق	ظلمی یلره سوسور
بیزی هئجه ساینلار بیلیمین	انقلابین قیزل اوچاغین
بوئودان سونرا هرشی بیزیق	ایستی ساخلا ، باشینده ادر
خلقر اشید سنین بوئو	خلقر اشید سنین بوئو
بووسون ساواش دیر آرتق	بووسون ساواش دیر آرتق
انترناسیونال له	انترناسیونال له
قوتلور انسانلیق	قوتلور انسانلیق

مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه رویزونیسم جدا نیست!

بقیه در فوجلاب . . .

رد چنین نظرات و شکستهای که در جنبش کارگری سابقه و تاریخی داشته اند چنین میگوید: " اندیشه مارکس عبارتست از این که طبقه کارگر باید ماشین آماده دولتی را بخورد کند ، بشکند نه اینکه به تصرف ساده آن اکتفا نماید . و " شکستن ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی " بطور خلاصه در سه عهد مارکسیسم راجع به وظائف پرولتاریاست به دولت در زمان انقلاب است و همین در سراسر که تعبیر کائوتسکیستی مارکسیسم که اکنون حکم فرماست تنها آنرا بکلی فراموش میکند بلکه به تمام معنی تحریف هم کرده است " . (دولت و انقلاب) .

در واقع برای این اورتونیستها انقلاب و کسب قدرت سیاسی از جانب پرولتاریا مساوی است با انتقال حکومت (یا تغییر کابینه) . برای آنان ماهیت حکومت مطرح نیست کافی است که تغییر یک دولت بشکل مسالمت آمیز یا کودتا باشد تا آقایان پشتیبانی کنند تنها ترس آنها این است که مباد در نتیجه انقلاب واقعی دیکتاتوری پرولتاریا حاکم نشود و این بهیچوجه باب دندان سوسیال - امیر - یالیستها و ریزونیستها نیست و شاید به همین دلیل است که در " طرح برنامه " می معروف ۴۸ صفحه ای ، آقایان حتی یکبار هم از دیکتاتوری پرولتاریا نام نبرده اند . چون هر مونی پرولتاریا در یک انقلاب از نظرایین مبلغین خبیث سازش طلبی " عملی است " ناپسندیده ، بنظر آقایان انقلاب اصولاً به نیروهای غیر پرولتری تعلق دارد و آنها معتقدند که " در شرایط کنونی " نیروهای پرولتری بخورد - بورژوازی " عامل نهی جنبش رهایی بخش محسوب میشوند و باید در آینده نقش خود را در رشد و تکامل پرولتری جنبش رهایی بخش ملی ایفا نمایند (مجله دنیا سال ششم ،

شماره ۱) با چنین " منطقی " طبیعی است که هم مونی طبقه کارگر در انقلاب مساله و شرطی نبوده و اصولاً مطرح هم نباشد .

ریزونیست های حزب توده ایران برخلاف اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و پاپست کردن به تجربه بیش از هفتاد سال مبارزه ایقانی در همین ماجن نظرات ارتعاشی را تبلیغ میکنند و تلاش دارند آنرا به نام " مارکسیسم لنینیسم " تاج بخورد مرد مبد هند .

همین برخورد ریزونیست های خائن کمیته مرکزی نسبت با امیرالیسم نیز دارند . آنها ماهیت امیرالیسم را در کورن جلوه میدهند ، آنها در صفحه ۸ " طرح برنامه حزب توده " از نیاسیستهای غارتگرانه امیرالیسم کنهها پوشش " رقوم " و " صلح طلبی " ولی با همان ماهیت استثمارگرانه و بخاطر اعمال استثمار رستم بیشتر برخلافها انجام میگردد تحت عنوان " عقب نشینی " صحبت کرده و چنین به مدح و ستای آن میرد ازند : " . . . ایسن اجبار به عقب نشینی که چندی پیش تنها محافل واقع بین تر سرمایه داری ضرورت آنرا درک میکردند به محافل وسیع تری سرایت میکند و علاوه اختلاف و مشاجره بین جناح های سرمایه داری در این زمینه پیش ازین شدید میگردد . " این مشاطه گران امیرالیسم خوانده و رحنی استادانه تیر از تفریبین های سرمایه داری ، ماهیت آژندانه و سودجوی آنرا می پوشانند . بنظر آنان در گذشته تنها محافل " واقع بین تر " سرمایه داری با " درک " ضرورت عقب نشینی مسیح و آزار استثمار خلق حاضر قنظر می نمودند و مؤدبانان عقب نشینی می نمودند امروز این " سیرت نیگو " محافل وسیع تر سرایت کرده و لابد فرد اتمام سرمایه داران گذشته امیرالیستها ، با ظاهر شیمانی ارسالها اعمال ستم و استثمار پرولتاریا ، دوستی دارند از خود رانند طبقه کارگر خواهند نمود . با چنین قضاوتها بی بهره بارید بر امیرالیستها حتی در سوزی هم نمود! عجیب نیست که این اورتونیست های مفلوک پس از قضاوتهای بالا از پرولتاریا می خواهند که بجای تشدید مبارزه طبقاتی خود " عقب نشینی های بیشتری را به امیرالیسم تحمیل کنند " تا با دیوه های مونی پانته روشد به ترمودر استثمار قرار گیرند . بهتر از این نمیتوان چه بره کرب امیرالیسم را بزرگ کرد ماهیت آنرا در کورن جلوه داد و تضاد های درونی آن که در جهت حفظ سیستم استثمار و استعمار و ادامه تسلط بر خلقها تشدید میگردد " اختلاف و مشاجره " بر سر لزوم عقب نشینی در مقابل خلقها و انود کرد .

ریزونیست ها تنها آنجا به پرخاشجویی نسبت به امیرالیسم میرد ازند که منافع اربابان گرملین نشین خود را در خطر ببینند . هیچوقت " مبارزه " آنها علیه امیرالیسم از چارچوب حل مناسبات رقابت و تنبانی میان دوا بر قدرت یا فراتر نمیکند ارد . البته در این چارچوب حاضر بر کونه خدمت به سوسیال - امیرالیسم از نفوذ و منحرف کردن

جنبشها گرفته تا جاسوسی و تدارک کودتا و شاکوی باین پس آن جناح امیرالیسم با ارتجاع هستند . ریزونیست ها سوسیال - شوونیستهای انترناسیونال دوم تحت عنوان دفاع از زمین ، جنبش کارگری هر کشور را در خدمت امیرالیسم کشور مریوله به انحراف و جنگ جهانی امیرالیستی کشانند . ریزونیست های معاصر در مقابل تمام هم و ضم خود را در منحرف کردن جنبش های کشور خود در خدمت ابر قدرت سوسیال - امیرالیسم بکار میبرند . در صحنه ۶ طرح " برنامه خود " این اورتونیست های پلید در مورد سوسیال - فاشیسم تجاوز کارشو روی چنین قلمرسی می کنند : " اتحاد شوروی بزرگترین و مقتدر ترین تکیه گاه نیروهای انقلابی و مترقی جهان است . از این نظر چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی مساله ای مرکب است در مجموع مناسبات نسبت به سرنوشته تاریخی سوسیالیسم و جنبش انقلابی جهانی و یکی از عناصر مهم انترناسیونالیسم پرولتری و نمود ارصاقت و قاطعیت در جنبش های رهایی بخش فد امیرالیستی و پیگیری در امر هاداری اصلح است . "

آنها ماهیت امیرالیستی ، تجاوز و سرکردگی گروا و خرابکار سوسیال - امیرالیسم شوروی را میپوشانند و در مورد این ابر قدرت امیرالیستی نیز میخوانند این خیال واهی را ایجاد نمایند که جنبش مانته با تکیه بر این ابر قدرت قادر است بر امیرالیسم آمریکا و رژیم شاه پیروز گردد . آنان این نظریه ضد انقلابی خود را حتی بصورت " کمونیسم ضد شوروی موجود نیست ، سوویتسم هسته مرکزی انترناسیونالیسم پرولتریست " (شماره ۴) ماهنامه مردم) تئوریزه کرده اند . این فرقیستهای مرتد از همان ابتدای فعالیت خود اتکا " به نیروی خلق نداشته اند و اتکا به نیروی خلق را برای انقلاب در کشور خود که هسته مرکزی انترناسیونالیسم پرولتری از نظر مارکسیسم انقلابی است بی شرمانه در تئوری و در عمل نفی نمودند : " امروز ، در آن شعار تکیه به نیروی خود کار نیست ارتجاعی زیرا هم بزبان خلق وهم بزبان ساختمان جهانی سوسیالیسم است . این شعار نفی انترناسیونالیسم پرولتری است و مظهریست از ناسیونالیسم بورژوازی " . (ماهنامه مردم شماره ۳۱) . اکنون در یک مضمون طبقاتی این دیدگاه صارتی از " انقلاب " کاملاً روشن شده و نفوذ و تحریک در جنبشها و انجام توطئه علیه آنها و بالاخره برآند اختن کودتا های سوسیال - امیرالیستی از نسخه های مورد علاقه درود سته کمیته مرکزی برای کشورمان میباشند . و درست در صورت بوجود آمدن چنین شرائطی است که ایسن مرتدان که پیوسته آشتی طبقاتی را در میان صفوف خلق تبلیغ میکنند طرف ارگودتا ، سرکوب و تجاوز می شوند .

پشتیبانی بی چون و چرای آنان از تجاوز فاشیستی شوروی به چکسلواکی ، از تجاوز نظامی هند وستان به پاکستان و بالاخره ارزیابی آنها از کودتا سوسیال - امیرالیستها توسط دودخان تحت عنوان " جامعه ای امید بخش و تازه " برنامه مترقی رژیم نوین افغانستان " و . . . نمودار هد فهای واقعی آنهاست .

امروز ماهیت ضد انقلابی مرتدان کمیته مرکزی تشبیری نکرده و آنها کماکان بزرگترین اخلالگری را در مقابل وحدت مارکسیست - لنینیستها و ایجاد حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ایران انجام میدهند . ریزونیسم مدردن دشمن عمده جنبش مارکسیستی - لنینیستی و دیکراتیک و حاصل اساسی ایجاد تفرقه میان نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و میان آنها با سایر نیروهای مترقی است و در مبارزه انقلابی خلقهای میهن ما علیه رژیم ضد ملی و ضد دیکراتیک شاه امیرالیسم سوسیال - امیرالیسم اخلال میکند . هدف اساسی کمیته مرکزی از سیاست جدیدش در " مخالفت با رژیم " و دعوت از نیروهای خلقی برای " وحدت " طرح توطئه ای جدیدی جهت نفوذ در جنبش ، نجات خود از انفراد و ورشکستگی کامل ، ایجاد تفرقه در درون جنبش و تامین منافعه سوسیال - امیرالیسم شوروی است . در برابر این توطئه ضد انقلابی ، نیروهای مارکسیستی لنینیستی باید از طریق ایجاد وحدت در میان خود و گسترش مبارزه ای دیکواتیک علیه ریزونیسم مدردن و بامتحدم نمودن کلیه نیروهای مترقی و دیکواتیک قاطعانه علیه رژیم شاه ، امیرالیسم ، سوسیال - امیرالیسم و اردوسته ی کمیته مرکزی مبارزه نمایند . توطئه های رژیم شاه و کمیته مرکزی را علیه جنبش خلق ، متحدان مردم شکنسیم !

* * *

بقیه سنگ و نفرت . . .

جنبش رزمنه کارگران ایران علیه نظامیست و کشتارهای رژیم توطئه ها و تیرنگهای کمیته مرکزی جذب توده ، صمصانسه چه در مبارزات چند سال گذشته چه در اوضاع کنونی طوفان آسمای همیشه میبوید و رشد و گسترش میابد .

مبارزات در لاورانه کارگران ایران رشد می یابد از آنجهت که از سطح در یوزی خود پافرامی نهد ، از سطح تقاضای افزایش دستمزد به سطح انتخاب نمایند واقعی میسرند ، از آن نیز میگردد و به مبارزه با خطر آزادی رفیقان دستگیر شد و مبارز گردانند همزمان اخراجی می انجامد . از سطح ارائه درخواستهای کتبی به اعتصاب می کشد از اعتصاب در روز کارخانه به تظاهرات در خیابان می انجامد و پیش ازین از سطح عقب نشینی در مقابل قرضه انقلابی ارتجاع و مقاومت در لاورانه تونیرود روی میسرند مبارزات قهرمانانه کارگران ایران گسترش می یابد از آنجهت که هر اعتصاب چندین اعتصاب دیگر را در پی می آورد و هر صدای اعتراضی از کارگاهی ، ندای همه رسی ، همکاری و همراهی صد ها و هزاران کارگر را برانگیخته و در مبارزه او در ابرنا همبستگی افزایش میدهد و صفوف کارگرها با خاسته روز روز گسترش می یابد امروز در میهن ما ، در جاتی که تئوری و اخلاق فاشیستی به شدت حاکم است ریزه برقی سرنیزه های خود و زنده اند و دستگاه های شکنجه گری اثر ابرخ کارگران و سایر طبقات اقشار خلقی می کشد ، پرولتاریای ایران بی هراس از مرگ و زندان ، بی هراس از شکنجه و اذیت هراس از آخراج و " تنبیه " مشتهای گره کرده ای خود را بیش از پیش به دشمنان طبقاتی و ملی نشان داد و مبارزه را در یوز خود ، همبستگی خود پیگیری خود ، مقاومت خود آشتی ناپذیر خود و . . . برزهر براند ام را تراجعی افکند اما هنوز این مبارزات قهرمانانه با وجود رشد و گسترش آن و در لاورانه و مبارزات عدالت در سطح اقتصاد اکتیو مطالباتی اند . فائده هرگز واحد میباشند و در ارتباط و پیوستگی لازم یکدیگر و همچنین با مبارزات طبقات و اقشار انقلابی دیگر نیستند . بی شک با رشد و گسترش مبارزات طبقات و اقشار انقلابی دیگر بویژه دهقانان ، دانشجویان و روشنفکران با ایجاد هماهنگی و پیوستگی ، آنها مبارزات تطبیقی کارگرشکوفان تر به پیش خواهد رفت . در مقابل جنبش رزمنه کارگران که هنوز کمبود های خود را در اراست ، بمنظور رفع این کمبود ها و رزمنه تر کردن آن ، هیچ عنصر انقلابی و بخصوص مارکسیست لنینیست نمی توانسد بی تفاوت باشد . وظیفه مارکسیست لنینیست ها پس خطیر و سنگین است و درست بهمین علت می بایست در انجام موفقیت آمیز آن هر روز بر در انضو و فعالیت ها افزود و بجای خرد هکاری کوشید همه فعالیتها را کوششها را در جهت خدمت به تحقق وظیفه مرکزی یعنی ایجاد حزب کمونیست ، این ستاد رهبری کنند و انقلاب ایران را در آورند . هر فعالیتی که نتوانسد به این وظیفه خدمت کند ، هر سازش با دیکواتیک یا بورژوئیسم و بورژوازی ، هر زود بند سیاسی با گروه های پاد سته های وابسته به بورژوازی و هر زود بند علیه تشکیلات مارکسیستی - لنینیستی ، حال چه در داخل یا خارج و چه در این یا آن سطح مبارزاتی باشد نادرست بود و به جنبش کمونیستی ایران و امر ایجاد حزب کمونیست لطمه وارد می سازد .

تنهارا راستین خدمت به جنبش کارگری ایران در زمان حاضر سازماند می گویند مخفی در میان آنان از طریق شرکت در مبارزات کارگران ، برن مارکسیسم لنینیسم اندیشه ما فوسده و ن به درون آن وجلب عناصر بیشتر و جنبش می باشد . افشای همه جانیه رژیم ، تبلیغ مبارزه مسلحانه تود های لزوم تشکیل جبهه واحد بعنوان دوسال در دست حزب کمونیست و روشن ساختن نقش انقلابی دهقانان که مدد آنها نه امکان تا مین هم مونی پرولتاریا در انقلاب هسته ارتش خلق و نه جبهه واحد میتواند بوجود آید و نه جنبش کارگر را پیروز میسرند جز اینکه کار کمونیستها در درون جنبش کارگری است . تنها از این طریق است که میتوان مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما فوسده و ن را با زهم بیشتر با شرایط مشخص انقلاب ایران تلفیق داد ، کارگران را با تئوری پیشرفته صلح ساخت و شرایط را برای ایجاد حزب کمونیست با زهم مساعد تر نمود . کمونیستهای خارج از کشور علاوه بر کار کمونیستی متشکل و وظیفه دارند که بخاطر خدمت به جنبش کارگری و وظیفه مرکزی کمونیستها ، در سطح دیکواتیک نیز به تبلیغ سمت پیوند با کارگران و دهقانان که خواست تاریخی و مرحله ای شان را در کورن رژیم طبقاتی کونی کوتاه کردند در دست امیرالیسم سوسیال امیرالیسم از میهن ما و استقرار جمهوری دیکواتیک خلق می باشد برداخته ، روشنگران ایرانی در خارج را بلرزم آموزش از کارگران و مبارزات آنها و ایستادگی و قهرمانی آنها و لزوم پشتیبانی از مبارزات زحمتمندان آگاه نمایند .

جایبدها در خا - سره کارگران شهید پیش بسوی پیوند با مبارزات کارگران و دهقانان پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران

بقیه خبرها . . .

گفته میشود هواپیمائی که چندی پیش شاپه بود کسه در کوههای زاگرس سرنگون شده است در واقعیت امر در چرنا جنگ ظفار سرنگون شده و ۸ خلبان کشته شده اند . این هواپیما تا تک نبوده است .

● - سرمازی که در جنگ ظفار بوده بعد از ترک اظها داشته است : تعداد کشته شدگان ایرانی در این جنگ خیلی زیاد است . چنانکه در هواپیمائی که اوسوده ۷۰ کشته و ۲۰۰ زخمی حمل میشده است .

● - بخشی از بیمارستان نمازی شیراز به مجروحین جنگ ظفار اختصاص دارد .

● - سرمازی ده اظفار برگشته و جزو اولین گروههای اعزامی ارتش ایران به ظفار بوده است اظها میباید : از یک واحد / ۱۶۰ نفری که او جرز و آنها بوده پس از سه ماه بیش از ۶۰ نفر کشته شده اند . به سربازان و افسران فوق العاده های کلان میدهند و علاوه بر این برای تقویت روحیه سربازان مرتب به آنها سیگار ، دستمال کاغذی و کس های سکی میدهند . یکبار که اوسوی از سربازان ایرانی دیدن میدرد از آنها بسیار ارحه اینک با عکسهای سکی به دستشان میسرید یا نه و آنها مورد پسندشان هست یا نه سوال میکرد . علاوه بر ارتش عمان و ایران ، یک گردان و تقویت گلیسی وتعدادی بلوچ ، پاکستانی و هندی مزور هم با انقلابیون در حال جنگند . برای گروههای مختلف چهار محل تفریحی هست ، برای ایرانیها ، انگلیسیها ، هند و ایرانیها که در آن محلها بعد تاقیلهای سکی نشان میدهند .

در وقت بردن آن وقت برای سربازان ایرانی ، هواپیماهای انگلیسی ، تیه ها و مناطقی را که فکر میکنند چر یکبار در آنها مستقر بوده و از آنجا دست به عملیات میزنند به باران میکنند تا بتوانند حمل و نقل آن وقت را انجام دهند . اواد احمسی دهد : " در ظفار زن و بچه وارد ، هر کس را که میبینی چر یک است . آنها همه جا هستند و هیچ جانیستند . "

" قبلا در دهات ما میدیدیم یک گله گا و ارد میچرد . اینها بهمانزده میباشند و یکبار جمع شد و از میان آنها رگبار گلوله ها بطرف ما باریدن میگرفت . یکبار که هواپیماهای جت یک تیه را بمباران کردند و از چر یکپایک شد سپس ۲۴ نفر ما به آنجا موریت رفتیم و همیگر رسیدیم روی تهر گبار گلوله بطرف ما باریدن گرفت و در رویری های من کشته شدند " . چر یکها شب هنگام برای آوردن زخمیهای خود اقدام میکردند . باین شکل که بگردن چند شتر فاسوس آویزان کرد و از یک طرف چند تا با طرف ما روانه میکردند و چند تایی دیگر از اطراف دیکروما یک فعه میدیدیم که چند دسته چراغ بدست بطرف ما میآیند . رگبار با طرفشان میگرفتیم . صبح می دیدیم کشته های فاسوس بگردن افتاده نه آنها " . یک شب یک جیب انگلیسی را با افراد شر زدید نیروهای ایرانی اطراف جنگلها را چر یکها در آن هستند مین گذاری کرد و تله های انفجاری کارگزاره اند . طرز کار این تله ها اینطور است که به اطراف آنها سیم کشی کرد و اند . اگر ای کسی به سیمها برخورد محیط روشن شده و سربازان که مترصد هستند آن شخص را با گلوله میزنند . البته محیط جنگل است و آنرا پای حیوانات باین تله ها میخورد .

خبرها حاکی بر آنند که روحیه سربازان ایران در ظفار هر روز به ضعف بیشتری گردد . برعکس انقلابیون ظفار با روحیه عالی و رزمنه به جنبش رهایی بخش خود علیه تجاوزگران گوناگون از جمله ارتش تجاوزگر ایران ادامه میدهند . هر چه ارتجاعی ، تجاوزی ضد رهایی و آزادی باشد قابل دفاع و قابل دوام نیست و در بیرون سرنگون میشود . تجاوزات رژیم شاه به عمان و ظفار نیز سرنوشته جز شکست نخواهد داشت . خلق ظفاری شک با اجرای سیاست اتکا به نیروی خود و افتخاری پروری داشتن ابتکار عمل در دست خود حتما قادر است هرگونه مداخله و تجاوز را از هر کجا که باشد در زیر رهرویشی درهم شکند و پیروزی نهائی را بدست آورد .

ما در موضع پرولتاریا قرار داریم و پرولتاریا بعنوان طبقه انقلابی در این جنگ تجاوزکارانه ای که رژیم شاه علیه خلق ظفار برآه انداخته چیزی جز شکست ارتش شاه را نمیتواند آرزو کند . ما با تمام قوا خواهیم کوشید تا شکست ارتش ارتجاعی شاه را در ظفار و عمان تسریع نمائیم . و همبستگی کامل خلق ایران را با خلقهای عرب بویژه خلق ظفار و عمان اعلام میداریم نه رژیم شاه ، نه ترجمین عرب ، نه امیرالیستهای آمریکا و انگلیس و نمسوسیال - امیرالیستهای شوروی هیچکدام قادر نخواهند شد خلق قهرمان و مبارز ظفار و عمان را بزانو در آورند . پیروزی مطمئن از آن خلق قهرمان ظفار و عمان است .

پیش بسوی پیوند با جنبشهای توده های

بقیه خبرها... با این گرانی وحشتناک مبارزه کنید! "مرگ بر شاه"، "مرگ بر رژیم پارتی فاشیستی شاه" یکی دیگر از شعارها در مورد اعلام همبستگی دانشجویان با کارگران اعتصابی و همدردی با کارگران کشته شده در جریان اعتصاب کارخانه ایرانا بوده است.

● **شعارها:** دانشجویان سال اول و دوم دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز از ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۰ خرداد به علت اعتراض به تبعیض در نمرات دست به اعتصاب میزنند. جریان از این قرار بود است که:

در این روز نمرات دانشجویان رابعه و برترین زده بودند. سطح نمرات خیلی پایین بود و دانشجویان ناراحت از این امر خواستار تشکیل جلسه‌ای با شرکت رئیس بخش زبان دکنر کجوری و مسئولین مربوطه شده و اعلامی نیز به ویتن برای دعوت به تجمع در ساعت ۴ بعد از ظهر میزنند. زمانیکه دانشجویان به محل قرار تجمع در بخش زبان میروند متوجه میشوند که بخش منورگامال تعطیل است و از استادان و رئیس بخش خبری نیست. ناراحت از این امر دانشجویان به حیاط دانشگاه میروند و شعارها را شروع میکنند. از جمله "دستان بکامک ندید"، "پلیس برو کوهشو، تو مهاجمی" میکنند. در این میان سرهنگ بهمن پور رئیس کار دانشگاه به منظور فریب دانشجویان به آنها پیشنهاد میکند که دانشجویان ساکت شوند و در عوض و جریان را درست خواهد کرد. دانشجویان فریب او را نخورد و هیسه تظاهرات خود ادامه میدهند. در این هنگام گسار دانشگاه بطور وحشیانه‌ای به دانشجویان حمله میکند.

بدنبال حمله گسار دانشگاه، عدد زیادی از دانشجویان سالهای بالای دانشگاه با بیات و همچنین عدد زیادی دانشجویان پزشکی به رفقای اعتصابی خود می پیوندند. دانشجویان بهارم (کوی دانشجویان) رفته و تظاهرات می پردازند. در اینجاست افراد گارد بهمر اهلین و کماندوهای ارتش به دانشجویان حمله کرده و با هوا با ضربات باطوم برقی زخمی میکنند. مامورین دولتی در برخورد با دختران دانشجویان گری بخرچ داده، پیراهن دخترها را پارچه کرده و سپس با باطوم برقی کتک میزدند. دانشجویان به مقاومت برخاسته و زور و خورده و میگردند که تا در پروتکت شب ادامه داشته است. روز بعد دانشجویان با قرار قبلی به دانشگاه ادبیات رفته و موفق میشوند کلاسها را امتحان رله عدد بسیار کمی در آنها شرکت کرده بودند تعطیل کنند. تظاهرات در صبح ۲۱ فروردین ۲۱ خرداد به نهایت شدت خود میرسد و چندین بار بین پلیس و دانشجویان زد و خورد شدیدی روی میدهد. دانشجویان به شدت در برابر پلیس مقاومت می کنند بطوریکه پلیس مجبور میشود کحتی پاسا بنانی را نیز که در مرکزهای آموزشی بیند وارد میدان زند. زد و خورد حتی به داخل خوابگاههای دانشجویان نیز کشیده میشود.

در این جریان و نغز از دانشجویان دختر که زخمی شده بودند در بیمارستان شهید میشوند. ۶۰ نفر از دانشجویان را دستگیر کرده اند که زندان عادل آباد میباشند. بخشی از دانشجویان نیز در جلوی بازار روکیل دست به تظاهرات زد و شعارهای سیاسی و فد رژیم میدادند. هفتاد و نه یادی اعلامیه در امپرش گردید است. دوتن از استادان بنامهای دکتر هقان استاد بخش تاریخ و دکتر مود هسی استاد بخش ادبیات به دلیل حمایت از دانشجویان بوسیله پلیس به شدت مضروب شده اند.

● همزمان با تظاهرات اعتصابات دانشجویان ادبیات دانشگاه شیراز، در دانشگاه کشاورزی شیراز نیز اعتصاب بود است. علاوه بر این در دانشگاه هفتی شیراز نیز کلاسها تعطیل میشوند. اعتصاب دانشگاه هفتی به علت اعتراض به بازداشت دوتن از استادان که به دانشجویان هم دردی که دارند دستگیری عد های از دانشجویان دانشکده فنی بود است.

● منیرعلوی شوشتری دانشجوی دختر در دانشگاه چندین شاهپور، توسط پلیس در صحن دانشگاه کشته شد. پلیس چنانچه رژیم ضد خلقی شاه با باطوم غیر از این دانشجوی مبارز را متلاشی کرده است.

● در زندان عادل آباد از شدت تنگی جانتخت خواب های چند طبقه گشته اند و حتی جابرای راه رفتن کم است. زندانیان را مجبور میکنند که تک ورزش کرده و قهقهه بزنند که مورد اعتراض شدیدی مبارزین در زندانها آنها میباشند.

● ساواک دستور داده بود که اگر گرسنگی و دانشیان حتی در آخرین لحظه هم حاضر با اطباء پشیمان شدند، آن هارا اندام نگندولی آنها تا لحظه ای اندام سرود مسی خوانند و بعد از آن میباید اند.

● بیژن جزینی و گلنتری را اخیراً دوباره به زندان کمیته

برای شکنجه و فشار بیشتر منتقل کرده بودند. ● یکی از زندانیان سیاسی عادل آباد شیراز بنام ضراحی در اثر شکنجه پنجه ها، دستانش خورد شده اند. این مبارز قهرمانان روحیه مقاومت خود را حفظ کرده است. ● در زندان عادل آباد شیراز، زندانیان سوسی می کنند که بوسیله عمال خود (زندانیان سرسپرده) هر دو تین و سایر مواد مخدر را در میان زندانیان رواج دهند. زندانیان سیاسی شدیداً به افشای هدف رژیم از این کاربرد اخته اند.

● چندی پیش وقتی که ۸ نفر از زندانیان سیاسی را از شیراز به تهران منتقل میکردند تصادفی در جاده مرخ می افتد که منجر به مجروح شدن نگهبانان میشود. در این جریان ۶ نفر از زندانیان موفق به فرار میشوند.

● **دستگیری و محاکمات**
● در دیماه گذشته یک عدد مرد رگمان شاه تحت بچرم فعالیت های مارکسیستی - لنینیستی دستگیر کرده اند که از تعداد و سرنوشته آنان اطلاعی در دست نیست و رژیم فاشستی شاه از این هرگونه اطلاعی درباره آنها با دارد. ● در جریان کمیابی گوشت تازه و معلم رباتا زگی دستگیر کرده اند که ۵ نفر از قوه و دفتر تهران بوده اند. معلمین مزبور را جمع به مضرات گوشت بیخ زد و غیر شرعی بودن ذبح آن سرکلاس صحبت کرده بودند.

● در زرفول، اندیشک و خرم آباد در حدود صد نفر را که اکثر آنها معلم یا ساهی بودند دستگیر کرده اند. ● مهناز قائمی دبیری یکی از دبیرستانهای جنوب شهر تهران را در محل کارش دستگیر کرده اند.

● علی عدنانی آشکوری دانشجوی سال دوم نفت آبادن و هاشمی دانشجوی دانشگاه تهران را دستگیر کرده اند.

● در آمل عد های از دانش آموزان را دستگیر کرده اند. ● دکتر شهبان افراجه آزاد، نود و نهمین و دهمین از برادران خانم های از روحانیون مشهد را دستگیر کرده اند.

● گفته میشود اخیراً در تهران یک گروه ۷ نفری که مسلح نیز بودند دستگیر شده اند. ● رفایق قهرمان زاد میناسیان ستوان دوم ارتش رابعه بچرم کمونیست بودن دستگیر کرده اند.

● در خیابان شیشه گری شیراز پیش از ۲۰ نفر توسط ساواک دستگیر شده اند. ● جوان مبارزی را اخیراً که همبسته محبس است محکوم کرده اند. این جوان اهل شمال ایران است و جرم وی پرتاب کردن لنگه کفش به یکس شاه بوده است. سه خواهر و برادر وی را نیز دستگیر کرده اند.

● اخیراً عد های از برادران و همسران دستگیر کرده اند. ● در الیکورد عد های از افسران و وظیفه داران دستگیر کرده اند. علت این امر آن بود که آنها با استفا در ماه شین فتوکی در ارسپاه دانش اعلامیه ای را تکیه و در روستاها و خانه های شهری پخش کرده اند.

● در خرم آباد عد های از دانش آموزان و معلمین را دستگیر کرده اند. در بین آنها از دانش آموزان کلاس سوم متوسطه نیز هستند.

● در کرمحیط متخصص آسیب شناسی در دانشگاه چندین شاهپور، دستگیر شده است.

● در برابران رضائی قهرمانان شهید را سازمان امنیت خواسته و عد از اظهار هم ردی (ا) از او خواسته که بریفه ای نوشته و در آن تقاضای بخشش پسر کوچکش را بکند. وی بدون اینکه کلمه ای بر زبان آورد، تکی بر روی زمین انداخته و از آنجا خارج میشود.

● اخیراً ساواک به کتا بخانه ای از جن دانشجویان و معلمین دانشگاه محقق هجوم برد و در آنجا علاوه بر کتابهای مختلف چند کتا با مارکسیستی پیدا میکنند و کلیه ی کتابها را ضبط مینماید.

● در چند کیلومتری شمال کرج محلی بنا به سلطنت آباد وجود دارد که در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ خانوار در آن زندگی میکنند. این مرد محبت نداشتن محلی برای سکونت تقریباً بطور فرضی و بنا به تکار خودشان در آن محل شروع خانه سازی کرده بودند. شهرداری محل که نتوانسته بود از خانه سازی آنها جلوگیری کند بعد از اینکه متوجه میشود اگر به خراب کردن خانه ها بپردازد با خشم و غضب اهالی محل مواجه خواهد شد شروع به فشار به آنها میکند. بدینصورت که با قطع آبی بتواند کرج کردن آنها را سبب کرد. مردم برای مقابله با این عمل اعلام میکنند که در صورت ادامه قطع آب هر یک با یک کاسه خالی و دست جمعی بصورت تظاهرات با طرف کاخ نیوران برآمده اند و افغان تا از طریق آبی تمهیه کنند.

مردم در صد راه افتادند برمی آیند. مسئولین شهرداری وحشت زده به دست و پا افتاد موقوف می دهند که در صورت انصراف مردم از این عمل دوباره به آنها آب خواهند رسانید مرد بمصلح باز میگردد و تا نگرهای شهرداری دوباره بمصلح آمده و در آنها آب خالی میکنند.

● قهرآباد محلی است واقع در ضلع جنوب شرقی میدان شهید در تهران که شامل شده است از تعدادی خانه های کوچک گلی و آجری نما ساکنین آن عمدتاً از اهالی خلیج (اطراف قزوین) و تعدادی از اهالی کردستان میباشند.

● ساکنین اولیه مصلح برای اولین بار از ده سال پیش به آنجا آمده و در این محل که در واقع خارج از تهران بود اطاق کوچکی برای خود می ساختند. در چند سال اخیر بر تعداد آنها افزوده شده است و افراد زیادی تری به محل آمده و هیسه خانسازی میپردازند. صاحبان اصلی این زمینها اغلب از افسران ارتش هستند از جمله سرلشکر خسروانی و سرهنگ امینی که در حدود ۲۰ سال قبل آنها را از طریق غصب کردن از اهالی قبلی آن یعنی دهقانان طرشتی بدست آورده اند. در سال قبل دولت شروع به مخالفت با ساختن خانه یا اطاق در این محل کرده که با مقاومت شدید مردم روبرو شده. در زیر گزارشی مختصراً از آنرا که بدست ما رسیده و در اوایل پانزدهم اتفاق افتاد است می آوریم:

"در جریان مخالفت شهرداری با خانسازی در محله قهرآباد چندین بار ماورین از دست مردم کتک خوردند و حتی کاره آنجا کشیده بود که ماورین شهردار از دیگر اتوس به آنجا پانمی گذاشتند. ماورین شهردار از آنجا که در راه به کتک طلیبند و با پلیس روانند اما چندان وجهت جلوگیری از خانسازی به آنجا ریخته که باز مقاومت شدیدی مردم روبرو شدند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. به همین دلیل ارتش تصمیم به دخالت گرفت و یک روز با فلگ گرانته تعدادی بولدوزر ارتش، چند تانک و حدود بیست کامیون سرباز مسلح به مسلسل به آنجا ریختند که با ترساندن مردم خانه ها را ویران سازند و چندین خان را هم خراب کردند که در جریان آن پسر زنی مجروح گردید. مردم محض اینک متوجه شدند پیر زنی در اثر خراب کردن خانه ای زخمی شده با جوب و سنگ و تخته ها فحش و نفرین میفرستادند بسربازان و بولدوزرها حمله کرده و زور و خورده سختی در گرفت. سربازان دستور شلیک دادند و به همین علت هم نمیتوانستند شلیک کنند. مردم توانستند آنها را بطرف میدان شهید فرودگاه مهرآباد واداره عقب نشینی کنند و کتک زیادی هم به آنها زدند.

مردم همچنان آنها را تعقیب میکردند تا اینکه چند کامیون ارتش سر رسید و سربازان فراری را سوار کرده و در حالیکه مردم شیشه های کامیون را با پرتاب سنگ خورد میکردند کامیون ها سربازان را از محله خارج ساختند. در این جریان زنان رشادت بسیاری از خود نشان میدادند. یکی از زنهای پیشگی از ماورین شهرداری را گرفته بود و زن دیگری آجر بر سر روی و میکوبید. این جریان به این ترتیب در این روز با پیروزی مردم خاتمه پیدا کرد ولی ارتش و شهرداری در دیگری دیدند و در صد انتقام حمله ای دیگری مردم هم بیکار نشسته و عکسهای از خانه های خراب شده تهیه کرده و همرا با شکایت نامه ای در مورد چگونگی تجاوز شهرداری، واند امری و ارتش به "بازرسی شاهنشاهی" فرستادند. آنها در ضمن شکوایه از حقوق خویش صحبت کرده و در آخر بیت زیر آورد بودند:

قهری آشتی - انیم برسلب بنام وفا
د انسه و آبیم نمد ای شکستن آخیرال مسا

بعد از چند روزی از آن واقعه مجدداً ماورین ارتش و شهرداری بهمان وسایل و تجهیزات قبلی اما این بار با نفرات بیشتری برای درهم ریختن زندگی مردم و خراب کردن خانه ها آنها به انجام حمله میروند. بار دیگر مردم در برابر آنها صف کشید و آماد بودند که آنها را بگیرند. بعضی از افراد مردم قرآن در آورد و جلوه گزارده بودند و برخی دیگر زن و بچه های خود را به پشت بام برد و تهدید میکردند که در صورت حمله همگی از آنجا خود را به پایین پرتاب خواهند کرد و مسئولیت آن متوجه دولت خواهد بود و عد های دیگر همخو را برای مقابله آماده میدهند. غرمانده سوساژا که یک سرگرد بود بوسیله ی سیم خیزد که اگر حمله ای صورت گیرد کتا از برای او خواهد شد و کتک میخورد. کوبا دستور داده شد تا نیم ساعت صبر کنند. بعد از آن پیغام مراجع بالا بوسیله یک هلیکوپتر نظامی رسید و فریاد همه از خواندن آن آنرا بوسیله مردم گفت که ناری به مانند ارم و به ماورین شهرداری هم گفت که ما کاری نمیتوانیم بکنیم (از قرار معلوم دستور از کتک به آنها داده شده بود) بعد از آن شهرداری با زهم دست از سر مردم برنداشت چنانکه باز هم همچنان از ساختن سازی جلوگیری میکرد.

● در روز ۲۰ فروردین ۲۱ خرداد در تهران در محله قهرآباد در ضلع جنوب شرقی میدان شهید در تهران که شامل شده است از تعدادی خانه های کوچک گلی و آجری نما ساکنین آن عمدتاً از اهالی خلیج (اطراف قزوین) و تعدادی از اهالی کردستان میباشند.

● ساکنین اولیه مصلح برای اولین بار از ده سال پیش به آنجا آمده و در این محل که در واقع خارج از تهران بود اطاق کوچکی برای خود می ساختند. در چند سال اخیر بر تعداد آنها افزوده شده است و افراد زیادی تری به محل آمده و هیسه خانسازی میپردازند. صاحبان اصلی این زمینها اغلب از افسران ارتش هستند از جمله سرلشکر خسروانی و سرهنگ امینی که در حدود ۲۰ سال قبل آنها را از طریق غصب کردن از اهالی قبلی آن یعنی دهقانان طرشتی بدست آورده اند. در سال قبل دولت شروع به مخالفت با ساختن خانه یا اطاق در این محل کرده که با مقاومت شدید مردم روبرو شده. در زیر گزارشی مختصراً از آنرا که بدست ما رسیده و در اوایل پانزدهم اتفاق افتاد است می آوریم:

"در جریان مخالفت شهرداری با خانسازی در محله قهرآباد چندین بار ماورین از دست مردم کتک خوردند و حتی کاره آنجا کشیده بود که ماورین شهردار از دیگر اتوس به آنجا پانمی گذاشتند. ماورین شهردار از آنجا که در راه به کتک طلیبند و با پلیس روانند اما چندان وجهت جلوگیری از خانسازی به آنجا ریخته که باز مقاومت شدیدی مردم روبرو شدند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. به همین دلیل ارتش تصمیم به دخالت گرفت و یک روز با فلگ گرانته تعدادی بولدوزر ارتش، چند تانک و حدود بیست کامیون سرباز مسلح به مسلسل به آنجا ریختند که با ترساندن مردم خانه ها را ویران سازند و چندین خان را هم خراب کردند که در جریان آن پسر زنی مجروح گردید. مردم محض اینک متوجه شدند پیر زنی در اثر خراب کردن خانه ای زخمی شده با جوب و سنگ و تخته ها فحش و نفرین میفرستادند بسربازان و بولدوزرها حمله کرده و زور و خورده سختی در گرفت. سربازان دستور شلیک دادند و به همین علت هم نمیتوانستند شلیک کنند. مردم توانستند آنها را بطرف میدان شهید فرودگاه مهرآباد واداره عقب نشینی کنند و کتک زیادی هم به آنها زدند.

مردم همچنان آنها را تعقیب میکردند تا اینکه چند کامیون ارتش سر رسید و سربازان فراری را سوار کرده و در حالیکه مردم شیشه های کامیون را با پرتاب سنگ خورد میکردند کامیون ها سربازان را از محله خارج ساختند. در این جریان زنان رشادت بسیاری از خود نشان میدادند. یکی از زنهای پیشگی از ماورین شهرداری را گرفته بود و زن دیگری آجر بر سر روی و میکوبید. این جریان به این ترتیب در این روز با پیروزی مردم خاتمه پیدا کرد ولی ارتش و شهرداری در دیگری دیدند و در صد انتقام حمله ای دیگری مردم هم بیکار نشسته و عکسهای از خانه های خراب شده تهیه کرده و همرا با شکایت نامه ای در مورد چگونگی تجاوز شهرداری، واند امری و ارتش به "بازرسی شاهنشاهی" فرستادند. آنها در ضمن شکوایه از حقوق خویش صحبت کرده و در آخر بیت زیر آورد بودند:

قهری آشتی - انیم برسلب بنام وفا
د انسه و آبیم نمد ای شکستن آخیرال مسا

بعد از چند روزی از آن واقعه مجدداً ماورین ارتش و شهرداری بهمان وسایل و تجهیزات قبلی اما این بار با نفرات بیشتری برای درهم ریختن زندگی مردم و خراب کردن خانه ها آنها به انجام حمله میروند. بار دیگر مردم در برابر آنها صف کشید و آماد بودند که آنها را بگیرند. بعضی از افراد مردم قرآن در آورد و جلوه گزارده بودند و برخی دیگر زن و بچه های خود را به پشت بام برد و تهدید میکردند که در صورت حمله همگی از آنجا خود را به پایین پرتاب خواهند کرد و مسئولیت آن متوجه دولت خواهد بود و عد های دیگر همخو را برای مقابله آماده میدهند. غرمانده سوساژا که یک سرگرد بود بوسیله ی سیم خیزد که اگر حمله ای صورت گیرد کتا از برای او خواهد شد و کتک میخورد. کوبا دستور داده شد تا نیم ساعت صبر کنند. بعد از آن پیغام مراجع بالا بوسیله یک هلیکوپتر نظامی رسید و فریاد همه از خواندن آن آنرا بوسیله مردم گفت که ناری به مانند ارم و به ماورین شهرداری هم گفت که ما کاری نمیتوانیم بکنیم (از قرار معلوم دستور از کتک به آنها داده شده بود) بعد از آن شهرداری با زهم دست از سر مردم برنداشت چنانکه باز هم همچنان از ساختن سازی جلوگیری میکرد.

● در روز ۲۰ فروردین ۲۱ خرداد در تهران در محله قهرآباد در ضلع جنوب شرقی میدان شهید در تهران که شامل شده است از تعدادی خانه های کوچک گلی و آجری نما ساکنین آن عمدتاً از اهالی خلیج (اطراف قزوین) و تعدادی از اهالی کردستان میباشند.

● ساکنین اولیه مصلح برای اولین بار از ده سال پیش به آنجا آمده و در این محل که در واقع خارج از تهران بود اطاق کوچکی برای خود می ساختند. در چند سال اخیر بر تعداد آنها افزوده شده است و افراد زیادی تری به محل آمده و هیسه خانسازی میپردازند. صاحبان اصلی این زمینها اغلب از افسران ارتش هستند از جمله سرلشکر خسروانی و سرهنگ امینی که در حدود ۲۰ سال قبل آنها را از طریق غصب کردن از اهالی قبلی آن یعنی دهقانان طرشتی بدست آورده اند. در سال قبل دولت شروع به مخالفت با ساختن خانه یا اطاق در این محل کرده که با مقاومت شدید مردم روبرو شده. در زیر گزارشی مختصراً از آنرا که بدست ما رسیده و در اوایل پانزدهم اتفاق افتاد است می آوریم:

"در جریان مخالفت شهرداری با خانسازی در محله قهرآباد چندین بار ماورین از دست مردم کتک خوردند و حتی کاره آنجا کشیده بود که ماورین شهردار از دیگر اتوس به آنجا پانمی گذاشتند. ماورین شهردار از آنجا که در راه به کتک طلیبند و با پلیس روانند اما چندان وجهت جلوگیری از خانسازی به آنجا ریخته که باز مقاومت شدیدی مردم روبرو شدند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. به همین دلیل ارتش تصمیم به دخالت گرفت و یک روز با فلگ گرانته تعدادی بولدوزر ارتش، چند تانک و حدود بیست کامیون سرباز مسلح به مسلسل به آنجا ریختند که با ترساندن مردم خانه ها را ویران سازند و چندین خان را هم خراب کردند که در جریان آن پسر زنی مجروح گردید. مردم محض اینک متوجه شدند پیر زنی در اثر خراب کردن خانه ای زخمی شده با جوب و سنگ و تخته ها فحش و نفرین میفرستادند بسربازان و بولدوزرها حمله کرده و زور و خورده سختی در گرفت. سربازان دستور شلیک دادند و به همین علت هم نمیتوانستند شلیک کنند. مردم توانستند آنها را بطرف میدان شهید فرودگاه مهرآباد واداره عقب نشینی کنند و کتک زیادی هم به آنها زدند.

مردم همچنان آنها را تعقیب میکردند تا اینکه چند کامیون ارتش سر رسید و سربازان فراری را سوار کرده و در حالیکه مردم شیشه های کامیون را با پرتاب سنگ خورد میکردند کامیون ها سربازان را از محله خارج ساختند. در این جریان زنان رشادت بسیاری از خود نشان میدادند. یکی از زنهای پیشگی از ماورین شهرداری را گرفته بود و زن دیگری آجر بر سر روی و میکوبید. این جریان به این ترتیب در این روز با پیروزی مردم خاتمه پیدا کرد ولی ارتش و شهرداری در دیگری دیدند و در صد انتقام حمله ای دیگری مردم هم بیکار نشسته و عکسهای از خانه های خراب شده تهیه کرده و همرا با شکایت نامه ای در مورد چگونگی تجاوز شهرداری، واند امری و ارتش به "بازرسی شاهنشاهی" فرستادند. آنها در ضمن شکوایه از حقوق خویش صحبت کرده و در آخر بیت زیر آورد بودند:

قهری آشتی - انیم برسلب بنام وفا
د انسه و آبیم نمد ای شکستن آخیرال مسا

علاوه بر موارد بالا که آورد شد، شهرداری از طریق دیگری نیز آنها را از این آزادی و آزادی بر کرد. برای نمونه آب و برق آنها را قطع کرده بود که البته مردم هم دست روی دست نگذاشته بودند چنانکه با آماد نمودن کابل و وصل آن به تیرهای برق، برق خود را بدین ترتیب تامین میکردند و حتی برای آن نگهبان هم بیکار بودند. یا اینکه برای تامین آب با آوردن آب بوسیله لوله های طویل و توزیع آن بین خود نمیکند اشتند فشار شهرداری تاثیر نگذارد. بعد از این بالا خوره شهرداری که دیده بود کاری نمیتواند از پیش برد مجبوره عقب نشینی شد. از موارد همکاری بین مردم یکی این است که برای تصاحب محل جدیدی، شبانه گروه های سی الی چهل نفری با تقسیم کار بین خود بسرعت خانه یا اطاق جدیدی می سازند. شهرداری که از چندین راه نتوانسته مانع آنان بشود برای جلوگیری از توسعه محل از طریق خانسازی شبانه، فعلاً راه دیگری پیدا کرده است. بدین ترتیب که با استخدام تعدادی وایاش و قرارداد آن جیب شهرداری را در اختیار آنان برای سرعت و احاطه بیشتر، این وایاشان را مامور کرده است که مرتب شب روز در آنجا کشیک بدهند تا کسی نتواند شبانه خانه ای برپا کند. جمعیت قهرآباد در حدود سیصد تا چهارصد خانوار است.

● **ظفر**
● سه سربازان ایرانی دستور داده شده است که به تنهایی از سنگرهای خود بیرون نیایند و اگر سایه ای هم دیدند بایستی سیم به توخانه اطلاع بدهند. وضع سربازان ایرانی در ظفا بدتر از وضع سربازان آمریکائی در جنگ ویتنام است. پشت سنگرهای آنها پوشیده از عکس های سگمی است و توجیه زیادی به موضع خوراک و پوشاک آنها میشود. علاوه بر این در ایام عید از طرف ارتش به در منزل خانواده های آنان میوه و شیرینی برده اند. در ایام سال نوی نیز به تقلید از آمریکا، شی هاگیتی و عباد رام (خواننده) را برای اجرای کنسرت به ظفار فرستاده اند.

● **در رفع مشکلات مالی ما را یاری کنید**
نشریه "ستاره سرخ" از همان آغاز فعالیت خود سعی نمود با رعایت اصل اتکال بر نیروی خود و نیروی لایزال توده ها، جنگ مشکلاتش رود. ما هواریه کشیده ایم، به مثابه یک نشریه مارکسیستی - لنینیستی، به انتقاد از نظرات و کتک های مالی خوانندگان خود برخوردی مسئول ناثیم. چهار سال تجربه در این زمینه ما آموخته که هر چه با بالا بودن بود، رک خود از این اصل، باید پیوسته رجعت شوکافون در هر چه بیشتر ابتکار انتقالی برای تحقق بخشیدن به آن نیز بگویم. ضرورت این امر مخصوص در شرایط آموزشی و چند ان احساس می گردد: بسط و توسعه چشمگیر جنبش انقلابی و توده ای در همین مازون روز و وظایف سنگینتر در همین حال امکان گسترده ستوری در مقابل مبارزین و انقلابیون قرار می دهد و مرکز این وظایف ایجاد حزب کمونیست قرار دارد. حزبی که قادر است امکانات گسترده تر از پیش امروزی را تمام و کمال رهبری وجه ممکن، بطور متشکل و هماهنگ در مبارزه طبقه ای جاری بکاراندازد. بر هر خواننده انقلابی است که ما را در خدمت به این وظایف یاری رساند. از یکدیگر خوانندگان تقاضای همکاری با زهم و سعی بر این ناثیم. بخصوص تأکید ما در این زمان برای رسانیدن کتک مالی هر چه بیشتر است. چه با توسعه جنبش و از یاد وظایف، مسئله مالی هر روز اهمیت بیشتری در حل مشکلات کسب می کند. همچنین از خوانندگان که همراه تقاضای نشریه، پیشنهاد کمک مالی کردند میروند می خواهیم، با دریافت نشریات مورد نظرشان به آدرس بانکی مایل بفرستند.

● برای تضمین و پیشبرد هر چه بهتر مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، علیه رژیم مغرور و ارتجاعی شاه و اردو سترو و یونیستی حزب توده با همکاری کنید.

● **آدرس بانکی ما**
Laura Hegel
Banca Popolare
Svizzera
414. 595. 2793
LUGANO - SUISSE

توده و ستاره سرخ

Mme. Paola Di Cori
C. P. 493
S. Silvestro
ROMA - ITALY

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

توده و ستاره سرخ

خبرها و تفسیرها

لتصایات کارگری

● کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تبریز بمنظور افزایش دستمزدها دست به اعتصاب میزنند. آنها از میان خود محمد صالح جهانی را به عنوان نماینده انتخاب میکنند تا در مورد افزایش دستمزدها با مسئولین امور وارد مذاکره شود. نماینده کارگران توسط ساواک دستگیرند و در زیر شکنجه ها سازمان امنیت به نجات میرسد. در مجلس ترحیمی بستیا از اهالی تبریز که قلبشان آنگد ه از خشمش نرفرت عمیقست به رژیم خائن و جنایتکار پهلوی گردید به بود، شرکت میکنند. پس از انعام مجلس ترحیم، پلیس که محل را محاصره کرده بود بسا سببیت تمام شرکت کنندگان بمنظور ویرانگه کردن آنها حمله کرد و تعدادی را دستگیر کرد.

● بد نبال گزاشی از اعتصاب کارخانه ایرانکاد شماره ۳۶ ستاره سرخ "آورد پیام با خبر رسید که حاکمیت که در جریان حمله پلیس و سرایان به محل کارخانه بیش از هفتاد کارگران بشهادت رسید به تعدادی نیز زخمی گردید به اند. علت اولیه اعتصاب اعتراض به پائین بودن دستمزدها و عدم پرداخت اضافه مزد اضافه کاری بود است که ناسطحتقا فضای بازگردانیدن کارگران اخراجی و آزادی رفقای دستگیر شد به مقاومت شد به در برابر حمله گماندهای شاه میرسد. این کارخانه به شخصی بنام مراد زاریه تعلق دارد که صهیونیست است و هر ساله مبلغ زیادی برای کمک به اسرائیل میفرستد. در تاریخ ۵ تیرماه ۳ بهین ساعت ۱ تا ۱۴ انفجار شدیدی در ریاسازار به تعلق به صاحب کارخانه ایرانا و مواد فیا این تاریخ انفجار دیگری در کارخانه ایرانا روی داد است.

● در جریان اعتصاب کارگران کارخانه فلز در کوه مصادف با اعتصاب کارگران کارخانه ایرانا بمنظور افزایش دستمزدها انجام گرفت، پلیس وحشیانه به کارگران حمله ور میشود. کارگران به مقاومت برخاسته و درگیری روی با پلیس میرد ازند در او را فروردین و اوایل اردیبهشت در کارخانه مرتب اعتصاب بود است. اعتصاب در ابتدا بصورت کم کازا شروع شد و به بالا خره شکل کامل بخود میگردد. بطوریکه تولید ما شین آرزویی ۱ به ۱۸ و بعد به ۴ رسید و به بالا خره قطع میگردد. سرایان به کارخانه حمله ورند و در آن مستقر میگردد و بطوریکه کارخانه تا حدی شکی سرایان خانه بخود میگردد.

● در هفته دوم فروردین ماه در کارخانه ایرانا سوسیال کارگران دست به اعتصاب میزنند. علت اعتصاب درخواست تبدیل روزگار و هفته به ۶ روز در هفته بود است. در اسن کارخانه کارگران ۶ روز در هفته و روزی ۹ ساعت کار میکردند که به علت مشکل بودن کار و ساعات کار طولانی در ساعات آخر بسیار خسته میشدند و در این وقت ترجیح میدادند که ۶ روز در هفته با ساعات کثرتی در روز کار کنند. کارگران در ابتدا شروع به کم کاری کرده و بعد در ۲ فروردین دست از کار میکشند و شروع بنوشتن عریضه به رئیس کارخانه میکنند که با درخواست آنها موافقت نمود. کارگران در ابتدا با عکس العمل شدیدی رؤسای کارخانه رو برو میشوند و حتی یکی از رؤسای کارگران را کتک میزند که با خشم اعتراض شدیدی کارگران مواجه میشود. مسئولین کارخانه فوراً با استیجابی قبول میدهند که به درخواست های کارگران رسیدگی خواهد شد. در روز بعد مسئولین کارخانه مجبوره قبول خواستهای کارگران میگردد و به علاوه ساعات کار نیز دو ساعت تقلیل مییابد.

● در نیمه دوم اسفند ۲ کارگران یکی از کارخانه های هفت تبه برای دریافت سهم بیشتر از سود کارخانه دست به اعتصاب هگانی میزنند. در این جریان مامورین دولتی به کارخانه حمله میکنند که به زود و خورد بین کارگران و مامورین میانجا میشود. در یکی از معادن نغال سنک " انبار کارگران دست به اعتصاب میزنند که با خشونت مهندسين مواجه میگردد. بین کارگران و مهندسين زد و خورد در میگیرد و عدای از میان زخمی میشوند. مامورین دولت برای سرکوب اعتصاب فوراً به آن محل حمله میکنند که منجر به زد و خورد شدیدی با مامورین میشود. ارتط اصلی اعتصاب خبری در دست نیست.

● در اوایل خرداد کارگران کارخانه ششم باقی جهان به علت شکی دستمزدها اعتصاب میکنند. این اعتصاب تا اواخر خرداد ماه طول کشید است.

● در اوایل خرداد به پشت در کارخانه باضری سازی ری - اورک انتصاب بود است. علت اعتصاب اعتراض به کمبودی استخدا ام بود است. در این کارخانه وقتی کارتری استخدا م میگردد اند از او یک برگ سفته به مبلغ ۵۰۰۰ ریال میگرفتنند. اینکار برای آن بوده که هنگام اعتراض هر کارتری به نبود دستمزدها ساعت کار، وضع کارخانه و یا هر مسئله دیگری بابتاید باجرا کاران سفته، دارو و زهر و زهره را ساقط کنند. علاوه بر این، در قرارداد استخدا می ذارک، تاریخ ذارد نمیشد است تا کارکنان

بر حسب آن در ای حقوقی به علت سابقه کارشوند. علاوه بر این، دلیل دیگر اعتصاب، اعتراض به وضع بدغد اوسرویس رفت و آمد بوده است. در این اعتصاب کلیه کارگران از زن و مرد و بیرون جوان شرکت داشته اند. کارگران موفق می گردند به کلیه خواسته های اعتصابی خود برسند.

● در خرداد ماه در کارخانه فلز زرین در جاده تهران کرج اعتصاب و تظاهرات بود است. بعد از این جریان کارفرمایان برای آزار کارگران سرویس آمد و رفت کارگران را برمی دارند و این باعث شد است که کارگران از دستمزدها ناچیز خود که از ۷ تا ۸ تومان دست مزد روزانه قدری آزارناک خارج ایاب و ذهاب کنند. ناراضی کارگران تا بدان حد شدت یافته است که بیشتر آنها کارخانه را ترک کرده و در جستجوی کار دیگری شده اند. به گروه کارخانجات ملی دستور داده شده است که کارگران شمال ایران را استخدا نکند. یکی از رؤسای کارخانه اظهار داشته است که بیشتر کارکنان اهالی آمل و بطور کلی مازندران هستند اخلاک دارند (لفظی در رژیم به مبارزین سیاسی بمنظور توجیه جنایات خود نسبت میدهند) و همین علت آنها را استخدا میکنند.

● در چندین شخصی بنام خوش نویسان در خراسان دستگاهی که هوا به معدن برای تنفس کارگران میفرستاد خراب شده است ولی با وجود این وضع، کارگران را به معدن می فرستند. در نتیجه حال کارگران بهم خورده و در ونفر از آنان نیز میمیرند. این باعث خشم و اعتراض شدیدی کارگران گردید. صاحب معدن از جریان فوق شدیدی آبرو می افتد بطوریکه معدن را تعطیل میکنند و حتی به علت ترس از خشم کارگران جز آن میگذرد و کارگران را از معدن خارج کند. ● چندی پیش در کارخانه رود سرکارگری به علت ایستلا بسل فیت کرد. اکنون هم کارگری از کارخانجات دولتی در لاهیدجان به علت ایستلا بسل بد حال و مشرف به مرگ است به علت شرائط غیر بهداشتی و محیطی پرازدگرد و خساک کارخانجات مبتلا به بیماری هستند. بخصوص وضع در بخشهای جای خشک کفی، انبار، و تخمیر و مالش بسی نهایت بد است. علاوه بر این کارگران بخش هالش و تخمیر مورد تهدید بیماری روماتیسم نیز میباشند. تا بحال تعداد زیادی از کارکنان این کارخانجات در اثر بیماری سل درگذشته اند. ● در اواسط خرداد ماه از اهالی نازی آباد (کوی کارگری) اعلانات تبلیغاتی را که اخیراً دولت در مورد جمع آوری کمک به گرسنگان آفریقا به دیوارها نصب کرده بود، کتک و با استفاده از این موقعیت افشاکری اعلانات را در دست گرفته و با شعارهای " ما از گرسنگان آفریقا گرسنه تریم"، " ما نان نداریم بخوریم" در خیابانها نازی آباد برافزاد و هودد داشتند بطرف گود ها پریدند. در جریان این راه پیمائی دسته دسته مردم به آنها ماسی پیوستند تا جایی که بعد از آنکه مدتی تعداد آنها بسیار زیاد میشود. پلیس سراسیمه از این جریان به آنها حمله کرد و با حرکت آنها جلوگیری میکند.

● در روز اول تیرماه یکی از کارگران کارخانه "تونیگا" رشت که دستمزدها روزانه اش / ۵۰ ریال است و خانوادگانی ۷ نفری را پستی اداره کند برای خرید برخی کسراغ داشته در این ماه در بازار هست و قیمت آن کیلوشی ۸ ریال میباشد به بازار میآید ولی متوجه میشود که قیمت آن اسسال کیلوشی ۵۰ ریال شده است. وی که بنا بر گفته خودش مدت سه روز بود است که در خانه شان فقط نان میخوردند و اند از این جریان بشدت ناراحت شد و شروع میکند به فحش دادن به شاه و دستگاہهای دولتی و اولیای امور دولتی. مردم در حالیکه در قیافشان همدردی بد میشدند و در او تجمعی کنند. از حاحم فوق پلیس را متوجه کرد و هوای باز داشت میکنند. در کلانتری نیز وی همچنان ناراحت بوده و از فحش دادن دست برنمیآورد و میگوید " هر کاری می خواهید بکنید... مرا بکشید... من دیگر خسته شده ام و نمیتوام بروی و بوجه های گرسنه ام کتک ولی قبل از مردن نمیخواهم احدی یکی از این بیشترها را بکنم...".

● خبری حاکمیت که در روز اول ماه مه در تبریز سازمان امنیت یکی از کارکنانی را که مورد اطمینان خود میداند داشته برای ایراد سخنرانی که متن آن توسط خود شان تهیه شده بود انتخاب میکند. ولی کارکنان نیز وقتی پشت میکرو فون قرار میگیرد بجای استفاده از نوشته شروع به انتقاد از وضع بد کارگران به علت گران زیاد و کمی دستمزدها میکند. افراد سازمان امنیت و وسهلت زیاد یندها، بر سر او ریخته و شند شککن میزنند بطوریکه در اثر شدت ضربات

وارد فوت میکند. در تشییع جنازه وی عدد زیادی از کارگران و دانشجویان و بازاریان شرکت داشته اند و دسته گلهای بزرگی هم به همراه بودند. روز بعد از تشییع جنازه مامورین بلاسلاح آمدند و انشگاه ریخته و عدای از دانشجویان را که در مراسم روز قبل شرکت کرده بودند دستگیر میکنند.

دهقانان

● بین یکی از ملاکین سابق شمال که هم اکنون بخاطر داشتن معادن و کارخانه های شالی کوی و دیگر مستقالات وهم چنین بخشی از املاک سابق خود یکی از روشنفکران معروف محل است در او خراسان ۲ در دهی که وی در آن هنوز صاحب ه هگزار زمین است و دهقانان آن در زد و خوردی روی میدهد ه شخص منور که تلاش داشته اختلافی راه از سابق بین او و دهقان وجود داشته باشد و در آن، همداری زاندری و رئیس یاسگاه محل به نفع خود خاتمه دهد در یکی از روزهای اسفند بارئیس یاسگاه به ده رفته و تهدید دهقانان میگرداند. در چند روز ۴ تن از دهقانان که از فشار او بچشم آمد بودند و رئیس یاسگاه را بشدت کتک میزنند. بطوریکه گفته میشود مالک مزبور یک چشم خود را از دست داده است.

● مدتی است که بین دهقانان اهالی لاجرای و مالک محل دعوی ملکی وجود دارد. مالکین سه برادر هستند که سند مالکیت نیز در دست دارند اما اهالی محلی که از خیلی قبل در آنجا اقامت مساختن خانه و ایجاد باغ و مزرعه و مغازه کردند برای خود حقی قائل هستند. تا بحال مردم با فرستادن عریضه به دستگاہهای دولتی درخواست کرده اند که از اجاقها و کجلیگیری شود ولی این دستگاہها هیچگونه اقدامی نکرده اند. مردم بشدت در برابر مالک ایستادگی میکنند.

● اخیراً بخاطر عریض کردن جاده فرعی کلاچای - رحیم آباد بخشی از زمینهای زراعی و باغستانهای جای اهالی و همچنین مغازه ها و خانه های روستاهای بی بالان کتک شدت را در ولت از این میبرد. گفته میشود چون در ترشکوه قسمتی از بخش رحیم آباد دولت میخواهد یاسگاه نظامی بسازد و با اینکه فلامرضا پهلوی در این منطقه قصد تربیت و پرورش ماهی قزل آلا ساختمان قصری را در این اقدامات صورت می گیرد. این امر موجب ناراضی کشاورزان منطقه شده است چون زمینهایی که در مسیر اقدامات فوق قرار دارد باقیمت ارزانتر از قیمت معمولی آنها گرفته میشود. اهالی در این مورد چندین بار شکایت کرده اند که بی نتیجه مانده است. ناراضی مردم محل از وضع موجود بسیار شدیدی است. در منطقه کلاچای تا بحال مردم چندین بار موفق شده اند که در برابر این اجحافات بخوبی ایستادگی کنند از جمله در چند ماه پیش وقتی که مامورین وزارت راه و مهندسين با وسایل و ماشینهای راه سازی به همراه مامورین مسلح زاندرجری به روستای مرزجان در وکیلومتری کلاچای می آیند با مقاومت شدیدی مردم از مرد وزن و بزرگ و کوچک رو برو میشوند بطوریکه زنها و بچه ها هگی با جوب و بیل و گندک به مقاومت در برابر حمله زاندر مامورین ازند و ماشینهای لند رور را سنگ باران کرده و شیشه های آنها را خرد میکنند. در این جریان با اینکه عدای از اهالی زخمی میشوند ولی موفق میگرددند که از کارجات سازی در آن زمان جلوگیری کنند.

● برای کشیدن کانال آبیاری از آستانه به شمال میخواد بسیاری از روستاها را مردها میزند. کند. باید متذکر شد که در آمد عمده اهالی این منطقه از پرورش گاو و بریشم است. اهالی منطقه از جریان بسیار ناراضی اند.

● بعد از ۱۵ روز ۲۰۰ نفر از روستائیان گیلان برای دریافت تخم نوغان (ترم ابریشم) جلوی اداره مربوطه اجتماع میکنند. مامورین شهربانی هر روز روستائیان را با باطوم پراکنده کرده و اداره مربوطه هم تخم نوغان بخشی نمی فروخت. در روز ۲۱ خرداد مرد مپالپس درگیر میشوند که در این جریان یکی از روستائیان و یک پلیس مجروح می گردند. از تاریخ ۲۳ خرداد بعد از مدتی تخم نوغان فروخته میشود ولی خیلی زود فروش را متوقف میکنند. باید توجه داشت که پرورش کرم ابریشم یکی از راههای مهم درآمد اهالی است.

● اسسال بدان علت که دولت تخم نوغان بسیار کمتری را اختیار کشاورزان گیلان قرار داده است برای خرید آن بازاریاسیه بوجود آمده ب وریک است به ۴ گرمی تخم نوغان که هر ساله ۵۰ ریال فروخته میشد اسسال به در برابر قیمت فروخته میشود. زارعین که باین ترتیب هم چندین برابر اسال تیل پول خرید تخم نوغان داد و ده صهقه ارتقرا از هر سال (تقریباً یک پنجم) تخم نوغان بدست آورده

اند به رحال مشغول کار شده و آنرا بعمل آورده، تبدیل به بیله کرد و برای فروش به کارخانه نوغان رشت میبرند. دولت که خود قصد انحصار بعمل آوردن ترم ابریشم را دارد بد نیال بوجود آوردن مشکلات در خرید تخم نوغان برای زارعین، قیمت خرید بیله ها را پائین می آورد بطوریکه بین روزهای ۲۷ خرداد تا ۳ تیر ریاضتی زارعین بابت محصول خود برای هر بسته از بیله ها نصف قیمت سال گذشته بود است. این امر باعث ناراضی شدیدی زارعین شده است ● غلامرضا پهلوی در اطراف سازی برای تصرف زمین عد و زیاد از کشاورزان را از زمینهایشان بیرون کرده و این امر باعث خشم بسیار آنان گردیده است.

● در تبریز نسا از روستاهای آمل قطعه زمین (باغ) یکی از کشاورزان مجاور باغ بسیار بزرگ چندین هکتاری فاطمه پهلوی قرار دارد. کشاورز مزبور در فروردین ماه به سرسوی آب با باغبان فاطمه پهلوی خواهر شاه خائن دعوا پیش می شود. در این جریان (که حق با کشاورز مزبور بود است) باغبان فاطمه پهلوی بابیلی که در دست داشته بسرو می گوید که باعث مرگ فروری او میشود. بسرو در همین موقع سر رسید و اعتراض میکند. باغبان فاطمه پهلوی خبری های نیز بابیلی بسرو وارد میسازد که سبب مرگ او نیز میگرد. در این هنگام زن کشاورز (که دارای دو دختر و سه پسر دیگر هم هست) سر رسیده و بر روی اجساد شوهر و فرزندش به شبیون وزاری می پرداند. هنگامیکه زاندر مامورین رشت زاندری و جسد را بخود میبرند. بعد از مدتی که زن بر میگردد در اظهار میدارد که با زاندری که با باغبان فاطمه پهلوی طرف است و نباید شکایت کند و اگر شکایت کند صدایش بجائی نخواهد رسید و در ضمن باغبان را از او خواهند گرفت و اگر شکایت نکند برای او باغبان خواهند گذارد. مردم که از این بسی عدالتی و تعدی به خشم آمد بودند به وی توصیه میکنند که شکایت کنند. وی شکایت میکند و پرونده برخلاف پرونده کراسی حاکم در اد کستری خیلی زود بجریان افتاده و باغبان فاطمه پهلوی تبرئه میشود. چنین است عدالت شاهانسه و از اد کستری که ابزاری در دست طبقات حاکم استانتظار بیش از این داشتن خیال واهی است. مردم تبریز ساژ از این جریان درس های لازمه خواهند گرفت و نفرت خود را بر بدست آوردن حقوق خود از دستگاہها بالا خواهند برد. ● در بهمن ماه ۲۳ رئیس جنگلبانی شوشتر را که یک سروان بود بد نیال کتکی کار اهالی یکی از روستاها خورده بود عوض کردند. رئیس جدید که یک سروان است شروع به فشار به روستائیان میکند. او در یک روز که جنگل رفته بود بجهای را با چند گاو و رانجامی بیند. می پرسد گاوها مال کیست؟ بچه میگوید مال خودم. رئیس جنگلبانی بچه مزبور را بشدت کتک میزند. بلافاصله وقتی خرابین جریان به ده میرسد، مردان چقا قهار ابرادته و به جنگ میروند، سروان و چهار مامور را که با او بودند در آب انداخته و کتک میزنند.

روشنفکران

● تهران - در کوی دانشگاه در شب ۳۱ فروردین بین دانشجویان و پلیس درگیری شدیدی در گرفت که منجر به دستگیری سه تن از دانشجویان شد. در حال حاضر خواجگاه جدیدی در کوی دانشگاه پشت ساختمان فعلی در دست ساختن است. کارگران یکسه این ساختمان را میسازند و موقع صرف غذا ابصلف سرویس دانشجویان آمد و هوا آنها غدا میخورند تا اینکه رئیس دوی آمدن کارگران را بغذا اخوری ممنوع میشد. دانشجویان به این امر اعتراض میکنند و چون به اعتراض آنها ترتیب اثر داده نمیشود تمام شیشه های غذا اخوری، تلویزیون و مقعداری ظرف را میشکنند و شام هم نمیخورند. پلیسهای که در ساختمان کارگویی (علاوه بر کاردهای دانشگاه) مستقر هستند به کوی حمله کرده و سه تن را در جریان زد و خورد دستگیر میکنند. بعد از این اقدامات دانشجویان رئیس کوی مجبوره قبول خواست دانشجویان می شود.

● در ۲۵ خرداد دانشجویان رشت هاد بیاتد انشگاه شیراز برای اعتراض به برداشتن ترم تابستانی دست به تظاهرات زدند. در این جریان ۱۶ نفر دستگیر شده اند. ● یک هفته بعد از جریان اعتصاب در کارخانه ایرانا عدای از دانشجویان دانشگاه هفی در انشگاه تهران در حالیکه شمار میدادند و بحال نیمه و حرت میگردند هاند از در انشگاه خارج شد و بطرف میدان ۴۴ اسفند رفته آنرا در ورزده و بعد متفرق میشوند. شعارهای آنها عبارت بود است از: " مرد ما از شما هستیم، بقیه در صفه ه

به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان